



در امر کانونه
\$1.50

مهرنامه مردم افغانستان

شماره هشتم / سال سی و سوم / اول قوس ۱۴۰۳ / ۲۱ نومبر ۲۰۲۴ / شماره مسلسل ۱۱۲۴

هر کس کسکی دارد و هر کس یاری
هر کس هنری دارد و هر کس کاری
ماییم و خیال یار و این گوشه دل
چون احمد و بوبکر به گوشه غاری

حضرت مولوی

افغان مینی مارکیت عرضه کننده
انواع مواد خوراکی و وطنی

یگانه مغازه افغانی
در منطقه واشنگتن بزرگ

که تازه ترین مواد خوراکی، میوه های فصل، نان های تازه وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، و گوشت های تازه مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd Springfield, VA
22150
Tel: 703-644-0186 Cell: 703-499-3313

گریز اجباری

ماجرای دو مهاجر افغانستانی

Forced to
Flee



Afzal Nasiri

نگارش محمد
افضل ناصری
را علاقمندان
از آمازون به
دست آورده
می توانند.

Amazon.com

amazon

فیرفکس، ورجینیا

داکتر ضیاء نظام

تشدید بحران اقتصادی به رغم رشد نسبی روابط تجاری منطقه‌ای

وضع اقتصادی افغانستان پس از تسلط طالبان در سال ۲۰۲۱

به شدت بحرانی گردیده و کشور بدترین حالت اقتصادی را در دو دهه اخیر سپری می کند. عوامل متعدد داخلی و خارجی وضع اقتصادی کشور را بحرانی ساخته و باعث بیکاری و فقر گسترده شده است. یکی از عواقب این بحران، مهاجرت میلیون ها شهروند افغانستان به گوشه و کنار جهان است. متأسفانه بیش تر این مهاجرت ها با موفقیت همراه نبوده و هم وطنان ما به ویژه در ایران و پاکستان با سختی های بسیار کار و زنده گی می کنند، از حداقل حقوق و امتیازات شغلی و رهاشی برخوردار نیستند، مورد ستم اجتماعی و رسمی چندقانه قرار می گیرند و بخشی از این مهاجران با دستان خالی و روان خسته دوباره به کشور برگردانده می شوند.

بحران اقتصادی عوامل داخلی دارد. دلیل عمده وضعیت بحران کنونی، عدم مراعات موازین و معاهدات بین المللی توسط اداره طالبان است. نقض گسترده حقوق بشر به ویژه حقوق زنان، اعمال سیاست های تبعیض آمیزی که اقشار غیر طالب از جمله طبقه متوسط شهری را به زانو در آورده و استبداد سیاسی که هرگونه تعامل و تشریک مساعی را در داخل کشور ناممکن ساخته، در مجموع وضعیتی را به جود آورده است که حتا دولت های متمایل به حمایت از حاکمیت استبدادی در افغانستان نمی توانند قدم های جدی برای به رسمیت شناختن امارت طالبان بردارند. در نتیجه حکومت این گروه سه سال پس از غضب حاکمیت کشور، همچنان دیفکتو و غیررسمی باقی مانده است. این عدم رسمیت افغانستان را از معاملات اقتصادی و مبادلات تجاری بین المللی موثر محروم ساخته است و نهادهای رسمی کشور تحت کنترل طالبان از سوی خیلی از کشورها و سازمان های مالی بین المللی تحریم شده است. در نتیجه، مساعدت های خارجی که در تمام دولت های معاصر افغانستان منبعی مهم برای تامین بودجه های انکشافی و حتا عادی بوده، به طور چشم گیر کاهش یافته است.

در سال ۲۰۲۳ کمک های خارجی ۳۰ درصد تولید ناخالص کشور بوده، در حالی که قبل از تسلط طالبان در حدود ۷۰ درصد تولید ناخالص را تشکیل می داد. با وجود این، کمک های رسمی و غیررسمی نسی در دوره حاکمیت طالبان نیز جریان داشته و این کمک ها در حفظ ثبات حداقلی و جلوگیری از فروپاشی کامل ممد واقع شده است. سازمان ملل در سه سال گذشته حدود ۴ میلیارد دلار به منظور کمک های بشردوستانه مساعدت کرده است، اما گزارش ها حاکی از آن است که بخش عمده این کمک ها از سوی طالبان به افراد و خانواده هایی توزیع شده است که تصور می شود حامی دوام و تقویت نظام طالبانی اند. ایالات متحده امریکا بزرگ ترین تمویل کننده کمک های جاری به افغانستان است. این کشور هر ۱۰ تا ۱۴ روز به طور اوسط ۸۰ میلیون دلار پول نقد به افغانستان از طریق سازمان های بین المللی کمک می کند. در سال های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ سازمان ملل ۳٫۶ میلیارد دلار پول نقد به افغانستان انتقال داده است.

به اضافه کاهش کمک ها و انزوای بین المللی، مدیریت بد اقتصادی و فساد اداری در امارت طالبان باعث فرار سرمایه و کاهش سرمایه گذاری و تجارت شده است. طالبان برای کاهش اثرات این بحران بر بودجه عادی امارت طالبانی و تامین معاشات ماموران و جنگ جویانش به استخراج و فروش بی رویه مواد معدنی روی آورده اند؛ اما به دلیل مدیریت ضعیف، هراج این منابع نیز عاید چندان به همراه نداشته است.

هنوز هیچ کشوری در جهان حاضر نشده است که رژیم طالبان را به رسمیت بشناسد. خیلی از (دنباله در صفحه ۶)

داکتر غلام محمد دستگیر

محتسبیزم (Mohtasbbism) معرفی شد

در قسمت اول که با تعریف محتسبیزم آغاز یافت، نشر قوانین (؟) جدید طالبان که در جریده رسمی شان بروز اول ربیع الاول سال ۱۴۴۶ هجری قمری در ۹۲ صفحه و ۳۵ فقره نشر شده بود تا فقره هفتم تقدیم شد. در قسمت دوم از فقره هشتم تا تراشیدن ریش قسمتی از فقره ۲۲ آشنا شدید. درین قسمت اخیر از تراشیدن ریش تا ضمیمه قانون که در باره نماز است، توجه تانرا جلب می کنم.

تراشیدن ریش به اساس رفرنس ۱۱۰ از نصاب الاحساب ج ۱ ص ۱۲۲ فتواداده شده است. این اثر توسط عمر بن محمد بن عوض السنمی که یک عالم جید حنفی نگاشته شده محل تولدش را هند نوشته اند که در سال ۷۳۴ هـ، ق وفات یافته نه شهر تولدش معلوم است و نه محل وفاتش. در همین پاورقی از این عمر روایت شده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده اند بروت تان را کوتاه کنید و ریش تانرا بگذارید. در روایت احمد و نسائی آمده است: هر کس سیبل (بروت) خود را نگیرد از مایست و شیخ البانی این روایت را در صحیح الجامع الصغیر و زیاده □



۲/۱۱۱۳ به شماره ۶۵۳۳ صحیح دانسته است. لذا به گرفتن سبل طوری تاکید شده است که بعد از تراشیدن بروت سفیدی جلد ظاهر گردد.

اینست بروت خود شان اما یک فرد عادی اگر با این نوع بروت که بگفته خودشان غیر شرعی است دیده شود تعزیر و سزا می بیند؛ چه ظلمی! در حدیث نمبر ۵۸۹۲ ترجمه حراری از عمر بن محمد بن زید، از نافع از ابن عمر از پیامبر صلی الله علیه و سلم روایت است که فرمود: □ با مشرکین ناسازگاری کنید: ریشها را دراز کنید و سیبل ها را قطع کنید □ و ابن عمر چون حج یا عمره می رفت و آنچه از دستش (قبضه) ریش زیادتر میبود قطع می کرد (صحیح بخاری صفحه ۴۵۸ کتاب لباس جلد ششم). از دوستی با کفار و کمک به کفار منع کرده اند. اما امریکا را که چندی قبل کافر میگفتند و افتخار دارند که به مقابلش جهاد و استشهاد کرده اند ولی امروز که ماهانه میلیون ها تالیونها دالر میگیرند و □ اشداء علی الکفار و رحما بینهم؛ سوره الفتح آیه ۲۹ جزء ۲۶ □ را معکوس عمل میکنند، منافقتی بیش نیست! بر عنعنات تاریخی هم حمله برده تجلیل نوروز که شروع بهار و شب یلدا که شروع خزان است منع کرده اند که نمیدانم در کجای شریعت تجاوز بر تاریخ مجاز بوده است.

در فقره ۲۵ و ۲۶ از منع ضایع کردن حقوق مردم و منع رفتار زشت با یتیمان و مظلومان نوشته اند.

آنچه در بالا ذکر شد همه ضایع ساختن حقوق اسلامی، تاریخی، اجتماعی و عنعنوی بود و هم هر روز حقوق یتیمان را که پول تقاعد پدران و یا مادران شان را غضب و ضایع کرده پایمال میکنند؛ با ظلم این سیستم محتسبیزم یک جامعه غیر مظلومان را خلق کرده اند. ضرب المثل «کور خود بینی مردم» (ضرب المثل های دری افغانستان، دکتور عنایت الله شهرانی / محمد طاها کوشان نمره ۲۸۲ صفحه ۲۵۲ از نشرات انجمن فرهنگی افغانستان) چقدر بر اینها مصداق پیدا میکند.

در فقره ۲۳ در صفحه ۷۲ ذمی (اهل ذمه)، مستآمن (پناه جویان)، طفل و دیوانه هم بی تنگه نامانده است. نوشته است که اینها از اجرای منکرات علنی منع کنند. نمیدانم مقصد از منکرات نزد اطفال و دیوانه ها چیست؟ آنها که نه شراب مینوشند (ص ۷)

گلبرت ، اریزونا

پروفیسر داکتر ذبیح الله التزام

توانمندسازی نیروی کار در افغانستان

بدبختانه افغانستان مألوف ما در میان بیش از دوصد وده کشور دنیا از نگاه تولید غیرخالص داخلی در صف یک صد و سی و هفتم قرار دارد. در سال ۲۰۲۳ م تولید غیرخالص داخلی دنیا قرار آماربانک جهانی به یک صد و شش تریلیون دالر امریکایی تقریفات، حالانکه این رقم در افغانستان به صرف چهارده و نیم بلیون دالر تخمین شد. نفوس افغانستان در سال ۲۰۲۳ بالغ بر چهل و یک و نیم ملیون نفر قلمداد شده که به مقایسه نفوس دنیا (هشت اعشاریه یک بلیون) در حدود کم و بیش نیم فیصد را احتوا می کرد.

یکی از شاخصهایی که از خلال آن سطح زندگی افراد یک کشور را می توان تعریف کرد تولید غیرخالص داخلی سرانه میباشد که عبارت است از تناسب بین تولید غیرخالص داخلی و تعداد نفوس. این تناسب در افغانستان را بانک جهانی سه صد و پنجاه و دو دالرفی سال گفته است، در حالیکه این شاخص برای مجموع کشورها طور اوسط بیش از سیزده هزار دالر تعیین شده است. در حال حاضر سرعت توسعه تولید غیرخالص داخلی سرانه در افغانستان متکی به محاسبات بانک جهانی یک عدد منفی را اتخاذ کرده که به این اساس سطح

زندگی افغانها دارد رو به پائین رفتن است. لازم است که ازین وضع سریعاً جلوگیری بعمل آید و اقتصاد افغانستان راه پیشرفت را در پیش گیرد.

این امر مستلزم آنست که یا در کیفیت عوامل تولید بهبودی بوقوع پیوندد و یا در کمیت آنها و یا در هر دو. همچنان در عین زمان از سرعت تزئید نفوس به نحویکه با دستورات اخلاقی و شرعی سازگار باشد کاسته شود.

عوامل چهارگانه تولید عبارت اند از زمین، کارگر، اجناس سرمایه و کار آفرینی. نیروی کار شامل افرادی اند که بین سنین پانزده و شصت و پنج بوده، در عسکری یا بیمارستانها یا زندان نبوده و نه متقاعد و یا مصروف تحصیل باشند. آن افراد در حال حاضر یا شامل وظیفه یا مزد و معاش باشند و یا در جستجوی پیدا کردن کار با مزد و معاش.

نیروی کار به تناسب نفوس از یک کشور به کشور دیگر فرق زیاد دارد. مثلاً طبق گزارشات بانک جهانی این تاسب در قزاقستان ۹۵ فیصد است و در جیبوتی بیست و چهار فیصد. در افغانستان این تناسب ۴۷ فیصد است و در کشورهای همجوار ما این رقم متفاوت است. مثلاً در چین این تناسب ۶۷ فیصد، در پاکستان ۴۹ فیصد، در تاجیکستان و ترکمنستان هر یک در حدود چهل، و در ازبکستان ۵۳ فیصد. اوسط دنیا به ۵۸ فیصد میرسد. بانک جهانی اوسط کشورهای پیشرفته را پنجاه و نه فیصد و از دنیای عقب مانده را ۵۴ فیصد گفته است. اما یک مشکل بزرگ در جدا کردن رول اجناس سرمایه و در مؤلدیت کارگر از نقش خود کارگر در کشورهای همچو افغانستان هنوز وجود دارد که این مسئله در کشورهای رسیده همچو ایالات متحده امریکا تقریباً حل گردیده است. اجناس سرمایه و آن اجناسی اند که به منظور تولید سائر اجناس و خدمات بکار گماشته می شوند. این اجناس انواع مختلف را شامل اند مثلاً از یک سوزن خیاطی گرفته تا یک خط آهن یا یک میدان هوایی و غیره.

گفته شده است که در افغانستان عزیز ثلث تولید ملی از سکتور زراعت بدست می آید و متباقی از سکتورهای صنایع، عمرانات، معادن، ترانسپورت، خدمات، و تولید آب و برق و گاز و غیره.

در سکتور زراعت فعالیت های دهاقین کشور ما تنها منحصر به استعمال انرژی انسانی نیست بلکه سامان و افزاری هم در کار اند که در امر تولید محصولات زراعتی با دهاقین کمک میکنند از قبیل بیل و کلنگ و داس و قلیه و شاخی و چغل و غربال و دولاب و قناطر بشمول سائر شبکه های آبیاری، و اسپار و قلیه گاو و تراکتور و گدام و غیره.

(هشت)

محمد اکرام اندیشمند

معنای ریاست جمهوری ترامپ برای افغانستان و طالبان چیست؟

دیپلمات (The Diplomat) مجله خبری الکترونیکی در واشنگتن پایتخت ایالات متحده آمریکا که سیاست، جامعه و فرهنگ را در منطقه آسیا-اقیانوسیه پوشش می‌دهد در مقاله ای، معنای ریاست جمهوری ترامپ برای افغانستان را توضیح می‌دهد و به بحث می‌گیرد.

دیپلمات در این مقاله می‌نویسد: «حکومت اول ترامپ با طالبان قرارداد امضا کرد. با توجه به اینکه طالبان اکنون عملاً کشور را تحت کنترل دارند، حکومت ترامپ با قضیه ی افغانستان چگونه برخورد خواهد کرد؟ مذاکرات بین الافغانی بر مبنای توافقنامه دوحه میان دولت قبلی افغانستان و طالبان هرگز صورت نگرفت. اما ترامپ در مبارزات انتخاباتی اش موضوع افغانستان را برجسته کرد.

حاکمان بالفعل افغانستان یعنی طالبان تصور دیگری از ترامپ دارند. طالبان مردی را می‌بینند که به خواست های آنها تسلیم شد و بدون در نظر گرفتن دولت جمهوری افغانستان مستقیماً با آنها مذاکره کرد. آنها انتظار بهبود روابط با ایالات متحده آمریکا و حتی برسمیت شناختن دیپلماتیک حکومت (امارت اسلامی) خود در ریاست جمهوری ترامپ را دارند.

ممکن است از جانب دیگر ترامپ فشار بیشتر برای تشکیل یک دولت فراگیر وارد کند که بخشی از توافق دوحه به پیشنهاد طالبان برای برسمیت شناختن دیپلماتیک است. با این حال طالبان بدینی های زیادی در حکومت ترامپ خواهند داشت.

سناتور مارکو رابوئو منتخب ترامپ برای وزارت خارجه از منتقدان تند رو طالبان است و افغانستان تحت حاکمیت طالبان را تهدید مستقیم برای منافع امنیت ملی آمریکا و شرکای آن در آسیای مرکزی و خاور میانه میدانند. رابوئو همچنین می‌خواهد که طالبان به عنوان یک سازمان تروریستی خارجی معرفی شود.

با توجه به این گمانه زنی ها ریاست جمهوری ترامپ احتمالاً برای مردم افغانستان که بیش از سه سال است در حاکمیت طالبان زندگی می‌کنند یک باتلاق خواهد بود.

مسئولیت وضعیت کنونی افغانستان بدوش حکومت اول ترامپ و بعد حکومت بایدن است. اکنون ترامپ فرصتی برای جبران و کاهش رنج مردم افغانستان دارد. بنا بر این او باید طالبان را به پای میز مذاکره بکشاند تا اطمینان حاصل شود که آنها به تعهدات خود در توافقنامه دوحه عمل می‌کنند.» نکته های که در این مقاله بر سر ترامپ، افغانستان، موافقتنامه دوحه و طالبان بحث می‌شود، بسیار مهم و قابل توجه اند.

نکته ی بسیار مهم جمله ی آخر مقاله است که نویسنده می‌گوید اکنون ترامپ فرصت آنرا دارد تا طالبان را به پای میز مذاکره در جهت اجرایی شدن تمام مفاد موافقت نامه دوحه، بکشاند. زلمی خلیلیزاد امضاکننده ی امریکایی افغان تبار موافقت نامه دوحه با طالبان نیز بازگشت ترامپ به قصر سفید را فرصت تطبیق بخش ناتمام موافقت نامه دوحه خواند.

سوال اصلی این است که ترامپ نیز در قصر سفید پس از بیستم جنوری سال نو ۲۰۲۵، دفتر توافقنامه ی دوحه را باز می‌کند و از همه مهمتر برای عملی شدن بخش نا فرجام موافقتنامه که مذاکره بین الافغانی و دولت اسلامی مورد توافق گفته می‌شد، چه خواهد کرد؟ انتقاد، تهدید، قطع پول، حملات هوایی، و یا تعامل و نزدیکی بیشتر با طالبان بر سر منافع منطقه ای ایالات متحده امریکـا؟

نقطه ی روشن آن است که منافع ترامپ و آمریکا در افغانستان، حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق مدنی و اجتماعی نیست. از سوی دیگر توقع و دل بستن به امریکای که به قیمت ۱۹ میلیارد دالر بمب و سلاح در یکسال گذشته به اسرائیل تهیه می‌کند تا توسط آن پنجاه هزار کودک، زن و مرد فلسطینی غزه را دسته دسته به قتل برساند، برای حمایت از حقوق زنان و حقوق بشر در افغانستان، توقع درست، واقعی و عاقلانه نیست. /

عبدالناصر نورزاد

چه چیزی ترامپ را به سوی افغانستان می‌کشاند؟

ترامپ بارها از خروج آمریکا از افغانستان در تحت اداره رییس جمهور بایدن، انتقاد کرده و آن را در اکثر سخنرانی های انتخاباتی اش، دستاویزی برای ناکامی دموکرات ها قلمداد می‌کرد. شرایط طوری پیش آمد که آمریکا برای پیگیری راهبرد بی ثبات سازی آسیا و ایجاد شکاف در محور آسیا، به دنبال انتخاب استراتژی باز موازنه، افغانستان را بگونه ی غیر منتظره، ترک کرد. به دنبال آن، دولت تحت حمایت آمریکا، فروپاشید و گروه طالبان، بعد از بیست سال جنگ و خون ریزی به اساس دستور نامه دوحه، به قدرت رسیدند.

حالا بعد از شکست دموکرات ها در انتخابات آمریکا، ترامپ جمهوری خواه، به استناد به عملکرد های غیر متعارف و شتاب زده، به دنبال این است تا پرونده افغانستان را باز گشایی کند. چه چیزی باعث شده تا افغانستان، یک بار دیگر در محراق توجه آمریکا بعد از ترک این کشور، قرار گیرد؟

چرا ترامپ می‌خواهد این پرونده بسته شده را دوباره بازگشایی کرده و در دستور کار سیاست خارجی آمریکا، قرار دهد؟

آیا اداره وی طمع بازی خون بار در محور افغانستان را با پیش شرط توجه به این کشور، دارد؟ و بالاخره، چه چیزی ترامپ را به سوی افغانستان می‌کشاند؟ در این نوشته به این پرسش ها پاسخ می‌دهم.

اول- نخستین دلیل برگشت ترامپ به سوی پرونده خون بار حضور در افغانستان، ترمیم وجهه تخریش شده ی آمریکا در خروج فاجعه بار از افغانستان است. این خروج به قدری سریع، شتاب زده و غیر قابل منتظره بود که حتی رقبای آمریکا در محور آسیا، از آن شگفت زده شدند و فوراً با طالبان، داخل یک تعامل غیر متعارف و تاکتیکی شدند. این مساله برای آمریکا که انتظار نداشت، محور آسیا به این سادگی با طالبان تعامل تاکتیکی کند؛ در عوض محاسبه امریکایی ها از خروج از افغانستان، ایجاد مزاحمت های امنیتی برای این محور بود که باید در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، اجرایی می‌شد، شوکه کننده بود. اما دسترسی طالبان به تسلیحات به جا مانده از جمهوریت مخلوع، پمپاز بی رویه پول در ظرف سه سال که بالغ به بیش از بیست میلیارد دالر می‌شود، طالبان را قدری جسور ساخت که آموختند با یک روش موازنه محور، هم با منطقه و هم با فرا منطقه برای بقای شان در قدرت، داخل تعامل شوند.

حالا آمریکا از ادامه بازی امنیتی در افغانستان، نگران این است که مبادا محور آسیایی کنترل بازی را در دست گیرد و آن را به سمت منافع مطلوب خودش، هدایت نماید. این مساله برای امریکای که چین را دشمن اصلی و تهدید شماره یک برای امنیت ملی خودش، تلقی می‌کند، غیر قابل قبول و آزار دهنده است. مخصوصاً، حضور پر رنگ چینایی ها و استفاده از افغانستان برای تسهیل مسیر ترانزیت کالای چینایی و هم دسترسی این کشور به منابع زیر زمینی افغانستان را می‌توان دلیل درجه یک علاقمندی ترامپ برای برگشت به افغانستان، تلقی کرد؛

دوم- همانطوریکه که گفته شد، سیاست موازنه محور طالبان در تعامل با منطقه و نزدیکی غیر قابل انتظار به محور آسیایی، برای آمریکا، شوکه کننده است. این حرکت ماهرانة طالبان در حرکت به سمت منافع اعظمی خود شان، برای آمریکا غیر قابل قبول است. این مساله در محاسبه بازی برای امریکایی ها، غیر قابل پیش بینی بود. حالا ترامپ می‌خواهد این بازی را با نگاه برگشت به افغانستان، به سمت مطلوب منافع آمریکا، سوق دهد؛

سوم- احتمالاً، ترامپ قبل از رسیدگی به مسایل اکراین، خاورمیانه و ایران، در قبال افغانستان تحت کنترل طالبان برای هدایت بهتری بازی خون بار امنیتی در تحت حاکمیت طالبان در افغانستان، راهبردی جدیدی را در خصوص همسایگی این کشور، مطرح کند که بدون شک، نمی‌توان منکر توجه غیر قابل وصف آمریکا به مساله افغانستان شد؛

چهارم- ترامپ به مساله افغانستان، منجبت یک پرونده ی با ارزش بالای حیثیتی و دارای اهمیت فراوان می‌بیند. ترامپ همانند ناپلئون نیست که مانند یک سردار جنگی، در میدان جنگ فیصله کند و تقسیم منفعت و نقص نماید. وی مانند یک تجار سیاسی، در حاشیه های بازی های بزرگ به منافع اعظمی کشورش می‌اندیشد. این مساله در خصوص سایر رهبران آمریکا، صادق نیست. پس به این حساب، فیصله در مورد مسایل مهم و حیاتی ای

که ربط به امنیت ملی آمریکا می‌گیرد، وی بدون شک وارد یک معامله سیاسی سود آور در افغانستان خواهد شد؛

پنجم- ترامپ با درک وضعیت ناگوار و جدید افغانستان تحت کنترل طالبان، ناچاری این گروه در تامین هزینه های رژیم شان، ابزاری موثری در جهت هدایت بهتر این گروه برای حرکت به سمت مسیر مطلوب در جهت تامین منافع حیاتی امریکـا، در دست دارد. این ابزار همانند کمک های مالی و حمایت های سیاسی ای است که می‌تواند طالبان را ناتوان از هر نوع تمرد در برابر آمریکا نماید. این کارت برنده برای آمریکا، باعث می‌شود تا ترامپ نگاه دوباره به افغانستان تحت کنترل طالبان داشته باشد؛

ششم- با جدیت در تعقیب اهداف حیاتی امریکا در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، همسایگان افغانستان ممکن در نحوه تعامل با طالبان، تجدید نظر کنند. این مساله باعث می‌شود تا طالبان از روی ناچاری به خواست های امنیتی، سیاسی و اقتصادی امریکای تحت رهبری ترامپ، تمکین مظلومانه کنند. به نظر می‌رسد با تعقیب این سیاست، ترامپ فرصت های بیشتری برای ایجاد مزاحمت در محور آسیایی خواهد داشت. بنا این فرصت پیش آمده را مغتنم می‌شمارد و به افغانستان دوباره توجه خواهد کرد؛

هفتم- ترامپ به مسایل نمادین و ارزش محور در سیاست های قبلی آمریکا، همانند دموکراسی، حقوق بشر و زنان، حق تحصیل و کار و تحمیل ارزش های امریکایی، توجهی ندارد. منافع حیاتی امریکا در محاسبات ترامپ و تیم اش، در قدم نخست قرار دارد، بدون اینکه برگشتی در مسیری تعقیب سیاست های عمده امریکا در قبال مساله افغانستان و راهبرد بی ثبات سازی آسیا توسط آمریکا، واقع شود، ترامپ خوب تر و بهتر می‌تواند با طالبان وارد یک معامله سود آور سیاسی شود و میدان تهی افغانستان توسط آمریکا را دوباره پر نماید. این مساله به هیچ عنوان به تعبیر برگشت دوباره نظامیان امریکایی به افغانستان نیست. بل هدف اصلی، استفاده از کارت طالبانیزم برای تامین منافع حیاتی امریکا در منطقه است. در این خصوص، مساله تحت کنترل داشتن پایگاه بگرام از طرف آمریکا می‌تواند یکی از هدف های اصلی این کشور، در تعقیب این راهبرد باشد؛

هشتم- برای یک ابرقدرتی مانند آمریکا، نه تنها مسایل داخلی مهم است، بل حضور در مناطق استراتژیک و دارای اهمیت ژئوپولیتیکی مانند افغانستان، می‌تواند مطمح نظر باشد. از این منظر افغانستان در این محاسبات امریکا برای ادامه پیکار جهانی با رقبایش، یک مساله مهم و غیر قابل انکار تلقی می‌شود؛ نهم- ارسال پیام به رقبای آمریکا در محور آسیا و اذعان این مساله که منشا در دیدگاه های بنیاد گرایانه، فلسفه وجودی و امپریالیستی امریکا دارد، این هدف را به دست می‌دهد که مناطق دارای اهمیت فراوان استراتژیکی و ژئوپولیتیکی که گاهی متعلق به امریکا بوده، کسی نمی‌تواند چشم طمع به آن داشته باشد. افغانستان نیز از جمله مناطقی است که برای ادامه پیکار جهانی امریکا در برابر رقبایش، یک موضوع مهم و غیر قابل اغماص تصور می‌شود. جنگ با محور آسیایی، مستلزم نفوذ و حضور نرم در افغانستان است؛

دهم- تیم ترامپ که شامل وزیر دفاع، مشاور امنیت ملی، رییس سی آی ای، اعضای ارشد حکومتش می‌شوند، اکثراً به نوعی با جنگ افغانستان، ربط داشته اند. تیم وی همچنان بارها از سیاست های سه سال اخیر رییس جمهور بایدن در قبال افغانستان، انتقاد کرده اند.

بنا تصور می‌شود که تصمیم جمعی تیم وی، نگاه های امریکا به طرف افغانستان را جدی سازد. ترامپ نمی‌تواند جدا از تيمش فکر کند. اگر قرار باشد چنین کند و همانند دوره قبل، شاهد کناره گیری مقام های تيمش باشیم، تفاوت وی با بایدن چیزی نخواهد بود و انتقادات وی تنها جنبه نمادین داشته است. بنا ترامپ نمی‌خواهد همانند بایدن، میراث ناکامی از خود بجای باند.

به هرصورت، افغانستان به علت موقعیت حساس اش، مرحله جدیدی از بازی قدرت های جهانی، نبرد میان شرق و غرب و تحول نظام بین الملل به سوی یک نظام پسا قطبی و طمع کشور ها برای دسترسی به ذخایر دست ناخورده ی آسیای مرکزی که در قالب بازی بزرگ جدید در جریان است، همه باعث می‌شوند تا ترامپ و تیمش نظر دوباره به این کشور نمایند.

بدون شک که این برگشت امریکا به افغانستان، به هیچ صورت به خیر مردم افغانستان نیست. تنها قشری از تکو کرات ها، طالبان و قدرت های منطقه، امریکا و متحدانش از این بازی نفع خواهند برد.

بازی خونین در محور منافع قدرت های بزرگ، میدانی مناسبی همانند افغانستان داشته و کماکان در محور این هدف، ادامه خواهد یافت. مردم بی پناه افغانستان، همواره قربانی ناخواسته سیاست های قدرت های بزرگ و متخاصم، بوده اند. /

Mail Weekly
12286 Ashmont Ct. # 202
Woodbridge, VA 22192 -7075 U.S.A.
Tel/Fax : (703) 491-6321
mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

مشتاق احمد کریم نوری / صابط جنرالان حق ندارند از گل افغان‌های امریکا نمایندگی کنند!

مقامات اسرائیل که میدان‌ها را شغالی دیده اند مرکب شان رامی تازانند گفته اند که به زودی به حذف نعیم قاسم هم خواهند پرداخت ، اما او گفته که هرچند اسرائیل رهبران حزب الله راترور نمود واز بین برد ولی حزب الله نتنیاهو و صهیونیزم را از بین خواهد برد. ، ولی کشور های کور و نایینا هنوز هم می گویند که حق (دفاع اسرائیل محفوظ است) تااین ذهنیتهاعدالانه وصادفانه ارزیابی نگردد چطور صلح و بحران خاتمه یابد.

این انتخابات حملات لفظی زیادی داشت ، دروغگو و احمق و زباله بازنده و دیکتاتور در انتخابات امسال از الگو های متعارف فرا تر رفته است . ادموند برگ گفته پلیدی زمانی به پیروزی میرسد که انسان های نخبه ساکت بمانند. و یا معکوس بهره وری نمایند.

ترامپ درسخنرانی قبل ازوقتش پیروزی خودرا اعلام نمودوگفت نتایج بدست آمده نشان دهنده آن است که بزرگترین جنبش سیاسی تاریخ امریکا رقم خورده و گفت که به نتیجه و پیروزی سیاسی باور نکردنی رسیده است ، با هم باید مهربان بود. هر کسی با غمی می جنگند که ما از آن خبر نداریم .

دونالد ترامپ افزود : من تا آخرین نفس برای حق و حقوق تان می جنگم و از تیم انتخاباتی و معاون اش و همه اعضای خانواده اش اولاد و خانم و پدر و مادرش و حتی ازخسر و خشوی فوت کرده اش به احترام نام گرفته یادکرد و ابرازتشکرو امتنان نمود . و از همه تیم انتخاباتی اش و معاونش و همه ، سپاسگزاری نمود .

دو نالد ترامپ که کتاب هنر بازگشت و چند اثر دیگر هم نوشته که ممکن برای مهندسی کردن در تاریخ مبارزات جمهوریخواهان همه را. ثبت و راجستر نماید او از بسته بودن و محافظت مرز ها و سرحدات ایالات متحده هم یاد نمود. و هکذا باید گفت که چندین عمل سو قصد علیه او نا فرجام ماند.

این باعث شد که به محبوبیت بیشتر او یبفزاید ترامپ در این انتخابات. نقش ارائه شده خوبی داشت. جدول انتخابات را سرخ نمود ه این در حالی بود که رای و نظر. در حصه دیوار آبی و آهنین نیز چشمگیر است. و تفاوت چشمگیر را دارا می باشد که جا دارد اگر عکس و خاطره ای دارید لطفا از باد نبرید او گفته که استراتیزی با اختلافاتی و مزه ای به تصویب می رسد.

در دور قبل بعضی ها با محک قرار دادن مولفه ها و شاخصه ها که استراتیزی و میانجیگری را دمو کراتها نتوانست نهادینه سازند و هکذا سیاست های کج دار و مریز و بی تفاوتی ها و سیاست های گنگ و مبهم در قبال جنگها و جنایت ها هم در شکست و گسست دمو کراتها رول خود را داشته است اما اینکه دو زن نتوانستند که با وجود نخبه بودن که یکی هیلاری کلینتون باشد که در پنجاه و هشتمین انتخابات ریاست جمهوری ترامپ را متوقف ساخته نتوانست واکنون هم درشصتمین انتخابات ریاست جمهوری باز هم زنی دیگر در مقابل ترامپ متوقف شد که بیشتر ریشه یابی شود که آیا رای دهند گان برای پذیرش یک زن در راس قوای اجراییه آماده اند و یا خیر و یا علت و علل در چه بوده و کجای کار می لنگد که بعدا بیشتر بدان خواهیم پرداخت .

کامیلا هریس روز چهارشنبه ششم نوامبر درمیان علاقمندان کمپاین دمو کرات ها و ستاد انتخاباتیش سخنرانی نمود جریان دیده شده نمای آن بود که گریه و ناله و سوگواری را طرفداران پروپا قرص دموکرات ها. داشتند و حتی بعضی شان وانمود می ساختند که ناامید شده و نمی توانند به زودی با نتایج بر آمده از این انتخابات کنار بیآیند .

به هر حال خانم هریس در این سخنرانی بیان نمود که می دانم که گروهی از مردم امروز از نظر عاطفی متلاطم هستند درک می کنم اما ما باید نتایج این انتخابات را بپذیریم خانم کمیلا هریس گفت که نتیجه را می پذیرد اما به مبارزه خود ادامه می دهد .

خانم هریس گفت که امریکا هرگز دست از نبرد برای دمو کراسی برای حاکمیت قانون برای عدالت و حقوق و آزادی های که باید محترم شمرده شود و رعایت گردد دست بر نخواهد داشت و ما این نبرد را از طریق صندوق های رأی و دادگاه ها و گردهمایی ها ادامه خواهیم داد .

خانم کامیلا هریس افزود که در این کشور ما به قانون اساسی ایالات متحده امریکا وفاداریم، ما با خدای خود و وجدان خود وفا داریم . و به خاطر همین پای بندی ها نتیجه انتخابات را می پذیریم ، اما نبردی که علت آن این کمپاین بود واگذار نمی کنم .

این در حالی است که ترامپ با شعاراینکه اولویت کاری او اول ایالات متحده امریکا است دیده شود که با رفتن او به کاخ سفید و اشغال کار و وظیفه اش به صفت جهل و هفتمین ریس جمهور ایالات متحده او تا چه حد با بحران های جاری بیرونی و التهابات داخلی کنار آمده میتواند و موضوعات انبار شده و بجا مانده برسرміز که از ریس جمهورچهل ششم باقی مانده او خواهد توانست که تا حدی زیادی عاملانه و عاقلانه وعادلانه وجسورانه بدان بپردازد و یا اینکه او هم که پیرترین ریس جمهور امریکا است که این بار وارد کاخ سفید می شود وعده هایش همه در جریان انتخابات بوده و رشته هایش همه پنبه بوده و یا خیر یاهم اکیدا برف بام شانرا بر بام جناح رقیب و یکدیگرمی اندازند که آینده بدان جواب می دهد .

دیده شود که گفته مشهور توماس جفرسون چه مقدار برداشت شده که یک میهن دوست واقعی از عدالت و کشورش درمقابل ظلم وظالم دفاع خواهد نمود و بردیگران نیز فشار و ظلم وتعدی و یکجانبه نگری را روا نمی دارد. و در همه چیز ها و کارها حرمتی وجود دارد و حدودی و ثغوری و. نباید که کور کورانه و یکجانبه عمل گردد و نادیده انگاشته شود آری و بلی احترام کن تا محترم شمرده شوید و منطق تفاهم و تمکین همواره و همیشه والا و بالا پنداشته می شود.

با دعای خیر همگانی و صلح واقعی جهانی، والسلام /

حکایاتی از دل متون فارسی

مرد فقیری بود که همسرش کره (مسکه)می‌ساخت و او آن را به یکی از بقالی‌های شهر می‌فروخت، آن زن کره‌ها را به صورت دایره‌های یک کیلویی می‌ساخت. مرد آنرا به یکی از بقالی‌های شهرمی‌فروخت ودرمقابل مایحتاج خانه رامی‌خرید.روزی مرد بقال به اندازه کره‌ها شک کرد و تصمیم گرفت آنها را وزن کند. هنگامی که آنها را وزن کرد، اندازه هر کره ۹۰۰ گرم بود. او از مرد فقیر عصبانی شد و روز بعد به مرد فقیر گفت: دیگر از تو کره نمی‌خرم، تو کره را به عنوان یک کیلو به من می‌فروختی در حالی که وزن آن ۹۰۰ گرم است.مرد فقیر ناراحت شد و سرش را پایین انداخت و گفت: ما وزنه ترازو نداریم و یک کیلو شکر از شما خریدیم و آن یک کیلو شکر را به عنوان وزنه قرار می‌دادیم !

پند لقمان

لقمان حکیم پسر را گفت: امروز طعام مخور و روزه دار، و هرچه بر زبان راندى، بنویس. شبانگاه همه آنچه را که نوشتی، بر من بخوان. آنگاه روزه‌ات را بگشا و طعام خور. شبانگاه، پسر هر چه نوشته بود، خواند. دیروقت شد و طعام نتوانست خورد. روز دوم نیز چنین شد و پسر هیچ طعام نخورد. روز سوم باز هرچه گفته بود، نوشت و تا نوشته را بر خواند، آفتاب روز چهارم طلوع کرد و او هیچ طعام نخورد. روز چهارم، هیچ نگفت. شب، پدر از او خواست که کاغذها بیاورد و نوشته‌ها بخواند. پسر گفت: امروز هیچ نگفتم‌ام تا برخوانم. لقمان گفت: پس بیا و از این نان که بر سفره است بخور و بدان که روز قیامت، آنان که کم گفته‌اند، چنان حال خوشی دارند که اکنون تو داری.

بزرگمهر وزیر انوشیروان

بزرگمهر وزیر دانای انوشیروان هرروز صبح زود خدمت انوشیروان می‌رفت و پس از ادای احترام رو در روی انوشیروان می‌گفت: سحر خیز باش تا کامروا گردی.شبى انوشیروان به سرداران نظامی‌اش دستور داد تا نیمه شب بیدار شوند و سر راه بزرگمهر منتظر بمانند. چون پیش از صبح خواست به درگاه پادشاه بیاید لباس‌هایش از تنش در بیاورند و از هر طرف به او حمله کنند تا راه فراری برای او باقی نماند.

صبح روز فردا وقایع طبق خواسته انوشیروان اتفاق افتاد. بزرگمهر راه فراری پیدا نکرد. چون صلاح ندید برهنه به درگاه انوشیروان برود، به خانه بازگشت و دوباره لباس پوشید. آن روز دیرتر به خدمت پادشاه رسید.پادشاه خندید و گفت: مگر هر روز نمی‌گفتی سحر خیز باش تا کامروا باشی؟

بزرگمهر گفت: دزدان امروز کامروا شدند، زیرا آنها زودتر از من بیدار شده بودند. اگر من زودتر از آنها بیدار می‌شدم و به درگاه پادشاه می‌آمدم، من کامروا تر بودم.

ابلیس و فرعون

روزی ابلیس نزد فرعون رفت. فرعون خوشه‌ای انگور در دست داشت و تناول می‌کرد. ابلیس گفت: آیا می‌توانی این خوشه انگور تازه را به مروارید تبدیل کنی؟فرعون گفت: نه. ابلیس به لطایف‌الحیل و سحر و جادو، آن خوشه انگور را به خوشه‌ای مروارید تبدیل کرد.فرعون تعجب کرد و گفت: احسنت! عجب استاد ماهری هستی.

ابلیس خودرا به فرعون نزدیک کرد و یک پس گردنی به او زد و گفت: مرا با این استادی و مهارت حتی به بندگی قبول نکردند، آن وقت تو با این حماقت، ادعای خدایی می‌کنی؟

داکتر عبداللطیف پدram

طالبان ذاتاً یک جریان پشتون‌محور است

جامعه‌ی ما جامعه‌ی متکثر قومی، چندفرهنگی و چند هویتی است. چوب‌بست و عمود خیمه‌ی احزاب، تنظیم گپ‌ها، گروه‌ها و جریان های سیاسی–فرهنگی «قوم» است؛ به جز حزب دموکراتیک که فراگیرتر بود و در متن دیگری از اندیشه و سیاست متولد شده بود. حتا همان حزب متکی بر اندیشه‌های فراقومی، در اوایل به دو جریان خلق و پرچم و در پایان کار به علت موجودیت هسته‌های سخت و پنهان قومی و قومگرایی به ساختارهای قومی تجزیه شد.

جریان طالبان ذاتاً یک جریان پشتون‌محور است. با غیاب شرم‌آور زنان. در امارت طالبان رهبران، تصمیم سازان، قدرتمندان و در یک کلام آن‌هایی که امر و نهی میکنند همه پشتون تبار اند. دنبال تحقق سلطه‌ی مطلق پشتون‌ها و ایجاد دولت مطلقه‌ی افغانی در تمام جلوه‌ها و سمبول‌هایش میباشند. واقعیت سرسخت قومیت بر پندارها و دروغ‌های آنهایی که میگویند جنگ قومی نیست و طالبان قوم ندارند، چیره میشود و آن بافت‌های دروغ، معامله گرانه و خاینانه را پنبه میسازد.

دیر یا زود طالبان آشکارا به جریان های قومی تجزیه خواهند شد. بحث شمال و جنوب قطعاً مطرح میگردد. ضرورت فدرال شدن، کنفدرال و تجزیه در دستور کار قرار خواهد گرفت و غوغا خواهد کرد. طالبان به پشتون و غیرپشتون و چیزی بیشتر از آن تقسیم خواهند شد. بنابر این من بر اساس این واقعیات میان طالب پشتون و غیرپشتون تفاوت میگذارم، با آن که تاکید کردم جریان طالبان یک جریان پشتونی معطوف به اشغال سرزمین‌های ما است. با توجه به خطراتی که وجود دارد و وضعیت بسیار پیچیده و کوتاه‌مدت بودن جامعه ما، نمیخواهم پل‌های گفتگو با طالبان غیرپشتون به کلی خراب شود؛ وانگهی طالبان غیرپشتون چنان در تنگنا قرار بگیرند که از همین طالبان افغان کمک بخواهند و آن‌ها هم لشکرهای چندین هزار نفری به بهانه‌ی دفاع از امنیت و حاکمیت طالبانی به سرزمین‌های غیرپشتون بفرستند.

ضرورت مبارزه علیه جریان ارتجاعی و عقب‌گرای طالبان، با توجه به خطر انکارناپذیر تهاجم پشتون‌ها، احتیاط برای گفتگو با طالبان غیر افغان را نفی نمیکند.

واقعیت این است که همه‌ی مدعیان رهبری و فرماندهی فراری هستیم. مردم مانده اند و طالبان. بقیه ما در سرزمین های آرام زندگی داریم و بسیاری هم که وضع شان خوب است در سفرهای لوکس فرانسه، لندن، اتریش،اسپانیا و آمریکا و ترکیه و کانادا سرگرم هستند. حال اگر یک طالب فارسی زبان یا هزاره و اوزبیک در غیاب ما فراری‌ها از فرود آمدن سلاح و شلاق بیرحمانه‌ی طالبان پشتون بر شانه‌های زخمی‌ی مردم ما جلوگیری میکند، بکند. ما که فقط لاف زدیم، و پول گرفتیم و نتوانستیم. به صراحت میگویم ما باید علیه طالبان مبارزه کنیم اما اگر در پیله‌ی افکار معامله‌گرانه و سودجویانه‌ی خود تنیده و مجاله شده باشیم ترجیح این است که به جای طالبان پشتون و رژه‌ی سربازان مغرور شان در خیابان‌های شمال، طالبان بومی محلات شان را اداره کنند.

این سخن من است:اگر کسی معنای آن را نمی‌داند و دنبال بهانه‌گیری است و شایعه‌سازی، مختار است. من فکرهای خودم را دارم. «اگر خلق رنجیده، رنجیده باشد»! /

اشک رایگان

یک مرد عرب سگی داشت که در حال مردن بود. او در میان راه نشسته بود و برای سگ خود گریه می‌کرد. گدایی از آنجا می‌گذشت، از مرد عرب پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ عرب گفت: این سگ وفادار من، پیش چشم جان می‌دهد. این سگ روزها برایم شکار می‌کرد و شب‌ها نگهبان من بود و دزدان را فراری می‌داد. گدا پرسید: بیماری سگ چیست؟ آیا زخم دارد؟ عرب گفت: نه از گرسنگی می‌میرد. گدا گفت: صبر کن، خداوند به صابران پاداش می‌دهد.گدا یک کیسه پر در دست مرد عرب دید. پرسید در این کیسه چه داری؟ عرب گفت: نان و غذا برای خوردن. گدا گفت: چرا به سگ نمی‌دهی تا از مرگ نجات پیدا کند؟عرب گفت: نان‌ها را از سگم بیشتر دوست دارم. برای نان و غذا باید پول بدهم، ولی اشک مفت و مجانی است. برای سگم هر چه بخواهد گریه می‌کنم. گدا گفت: خاک بر سر تو! اشک خون دل است و به قیمت غم به آب زلال تبدیل شده، ارزش اشک از نان بیشتر است. نان از خاک است ولی اشک از خون دل. /

قسم به غربت واصف؛

نخبه‌گان مهاجر، از چالش‌های حرفه‌ای تا چالش‌های وجودی



صالح محمد خلیق و واصف باختری درسال۱۳۶۹ درشهرمزارشریف یک سال از غروب ستاره درخشان شعر و ادب معاصر پارسی استاد واصف باختری گذشت و در این مدت کسانی که با وضعیت شعر و ادبیات پارسی در روزگار ما، و به‌ویژه در دیار ما، آشنایی دارند، فقدان او را به‌گونه‌ای دردناک احساس کردند و شماری از اهل اندیشه دست به قلم بردند و آن را به سوگ نشستند. غیاب استاد واصف باختری از فعالیت‌های جدی ادبی البته بسی پیش از آن آغاز یافته بود، از هنگامی که با کنده شدن از سرزمین مادری رهسپار سرزمین‌های بیگانه شد و از ناگزیری‌های روزگار در یکی از دوردست‌ترین نقاط جهان ماوا گزید.

حکایت استاد واصف از این حیث حکایت یک نسل از شاعران، ادیبان، هنرمندان، نویسنده‌گان و آفرینش‌گرانی است که توفان‌های روزگار آنان را از آب و خاک طبیعی‌شان برمی‌کند و به سرتاسر جهان آواره می‌سازد. نخبه‌گان یک سرزمین مظهر داشته‌های معنوی و آگاهی جمعی مردمان آنند که گذشته، اکنون و فردای‌شان را به هم پیوند می‌زنند. آنان هم مفاخر کهن را به ستایش می‌گیرند، هم بر دردهای کهنه انگشت می‌گذارند، هم رنج امروز را فریاد می‌زنند و هم راه رسیدن به آینده بهتر را نشان می‌دهند. آنان قافله‌سالاران یک سرزمینند که مردم خود را از کوه و کمر عبور داده و به کمک شعر، ادب و اندیشه، به سوی جلگه‌های سرسبز و حاصل‌خیز رهنمون می‌شوند.

آن‌گاه که توفانی می‌آید، توفانی عظیم و ویرانگر، بیش از همه سرهای نخبه‌گان را از تن‌شان می‌رباید یا آنان را به سیاه‌چاله‌ها فرو می‌افکند، زیرا این کار فتح برج و باروی یک سرزمین را آسان می‌کند. در غیاب دژبانان استوار و استخوان‌دار به سهولت می‌توان از دیوارهای یک تاریخ بالا رفت و بناهای یک فرهنگ را در هم کوید و از یک مدنیت آواری ریز ریز بر جای نهاد. تاراج داشته‌ها و به چپاول بردن گنجینه‌ها پس از نابودی پاسداران کهن و سرداران مردافکن یک سرزمین به‌ساده‌گی امکان‌پذیر می‌شود و راه را بر یغماگران از شرق تا غرب جهان هموار می‌کند، تا هر باغستانی را چراگاه ستوران خویش کنند.

درد نخبه‌گان یک جامعه آن‌گاه دوچندان می‌شود که در میان اکثریتی فاقد سواد، فاقد آگاهی تاریخی و فاقد دانایی امروزی تلاش به روشنگری و آگاهی‌دهی می‌کنند. این درد از اکنون نیست. هنگامی که حکیم فرزانه بلخ ناصر خسرو قبادیانی آواره کوه و بیابان شد و سرانجام در یمگان پنهان شد و پناه گرفت، از ناهم‌بانی پیرامونیان به ستوه آمد و گفت:

مرد هشیار سخندان چه سخن گوید

با گروهی همه چون غول بیابانی این درد تنها از آن ناصر خسرو نیست، بلکه درد هر انسان آگاهی است که در زمانه و زمینه‌ای ناخوشایند به بند افتاده و از فقدان هم‌زمانان همدرد و همدل به فغان آمده است. با آن هم آن‌چه تسکین‌پاره‌ای از دردها و رنج‌های چنین کسانی است، بر دوش کشیدن رسالتی در راستای روشن کردن اذهان و دمیدن جانی تازه در کالبدهای بی‌جان است تا با نفس مسیحایی خود مرده‌گان را زنده کرده و بیماران رنجور را به درمان رسانده و کوران مادرزاد را به بینایی وصل کنند. این رسالت مسیحایی به آنان امید و انگیزه می‌دهد تا صلیب رنج‌های خود را بر دوش گرفته و با همه توان فرسای‌اش به پیش بروند؛ زیرا با همه مرارتی که در این کار است نقش رهایی‌بخش آن به زنده‌گی بسیاری از نخبه‌گان متعهد و رسالت‌مند معنا می‌دهد.

بسیاری از کسانی که دست به آفرینش‌گری می‌زنند و رنج کارهای دشوار را بر خود هموار می‌کنند، برای ادای رسالتی است که از خویشتن فراتر رفته و در پی التیام زخم دیگران برمی‌آیند. نخبه‌گان هرچند در میان اکثریتی که زبان‌شان را نفهمند و پیام‌شان را نگیرند احساس غربت می‌کنند، اما اثرگذاری تلاش‌های‌شان در جهت رهایی دیگران طعم تلخ حوادث را برای آنان گوارا می‌کند. غربت نخبه‌گان هنگامی به اوج خود می‌رسد که از میان اندک‌مخاطبان آشنای خود برکنده شده و به اقصانقاط جهان پرتاب می‌شوند؛ جایی که نه هم‌بزانی ظاهری وجود دارد و نه هم‌بزانی معنوی؛ جایی برای تنها زندهٔ ماندن و به صرف نفس کشیدن رضایت دادن.

نصیراحمد رازی

سدنی، استرالیا

واژه های تصوف

دهری : در تمدن اسلامی و صوفیه کلمهٔ دهری مانند ملحد و زندیق، مفهوم دقیق و روشنی ندارد و درهر دوره یی ممکن است به مفهومی خاص بکار رفته باشد. ولی اصل این اصطلاح از تعبیرات قرآن گرفته شده است: «وقالوا ماهی الا یاتناللدنیا نموت ونحیا وما یهلکناالالدهر»(آیهٔ ۴۵/۲۴ و برروی هم بر کسانی اطلاق شده است که آراء ارباب دیانات رانمی پذیرفته اند و بیشتر نگرش مادی وبراساس انکار ادیان داشته اند.

در احتجاجات رسول (ص) دهری بر کسانی اطلاق می شودکه جهان را بی کرانه می دانند وبه هیچ حشر ونشری عقیده ندارند ودر بعضی موارد در دوره های بعد و عصر ائمه بر پیروان مذاهب دیگر از قبیل دیصانی ها اطلاق شده است وبا بر کسانی که حوادث را به روزگار نسبت داده اند، که این تعبیر اگر قبول شود دست کم درحد بیان مجازی، بسیاری از بزرگان اسلام هم در بعضی تعبیرات شان دهری خواهند شد، وبه همین دلیل بعضی ناگزیر شده اند «دهر»ر از اسماء الهی بشمار آورند. (احتجاج طبرسی «سفینه البحار»

نهصد و نود و نه نام

در این که اسماء الهی چیست و تعداد آنها چنداست واینکه آیا هرنام نیک و شایسته رامی توان براو اطلاق کرد، باید از سوی شرع تجویز شده باشد.

(مسألهٔ توفیقی بودن اسماء الاهی) بحث است (تفسیرکشاف و کشاف اصطلاحات الفنون) و درباب تعداد اسماء حسنی عقیده بر آن است که نود و نه نام است (مصباح کفعمی) نام مهین اسم اعظم که معتقد بوده اند هر کس آن را بداند همه مشکلات براو گشوده میشود و درباب این که اسم اعظم کدام است، بحث هاو کتاب هانوشته اند که قابل استقصا نیست. ولی یکی از عقلای نیشابور معتقد بوده که اسم اعظم همان «نان » است(مصیبت نامهٔ عطار)

سائلی پرسید از آن شوریده حال گفت: «اگر نام مهین ذوالجلال

میشناسی باز گوی ای مردنیک گفت نانت این بنتوان گفت لیک

آنان به‌سان درختی که از ریشه کشیده شده و در زمینی دیگر با آب و هوایی دیگر غرس گردد، اما نتواند از نو ریشه بدواند، رو به پژمرده‌گی می‌گذارند و می‌خشکند؛ درختی گشن‌شاخ که دیگر برگ و باری بر شاخه‌هایش جوانه نمی‌زند و میوه‌ای تازه نمی‌دهد. این غربت به تهی‌شده‌گی از انگیزه‌ها می‌انجامد و انسان را به رخوت، بلا تکلیفی و فقدان خلاقیت می‌کشاند. شماری در این وضعیت به درد بی‌دردی گرفتار می‌شوند و شماری دیگر دردها را در خود فرو می‌ریزند تا به گورستان دردها، آرزوها و حسرت‌ها تبدیل شوند. غربتی از این‌دست برای بسیاری از نخبه‌گان، تهی‌شدن از همه توانایی‌ها و برابر با پایان زنده‌گی است، زنده‌گی ادبی، علمی و هنری.

تراکم حس غربت رفته‌رفته به برکنده شدن از آشیانه وجودی و گرفتار آمدن به بی‌ریشه‌گی اگزستانسیال می‌انجامد. کسانی که در پی معنای زنده‌گی برمی‌آیند و می‌خواهند درک ژرف‌ترداشته باشند، درکی از جهان، از زنده‌گی و از کلیت هستی، ناگهان خود را با غربتی بس عمیق‌تر در پهنه هستی مواجه می‌یابند که تا لایه‌های زیرین وجودشان نفوذ می‌کند و به آنان حس تنهایی در بی‌کران هستی را انتقال می‌دهد. از آن پس، زبان از گفتن باز می‌ماند و گلو از نالیدن و گاهی حتا ذهن از اندیشیدن، زیرا خود را با تنهایی‌نامتناهی و غربت ازلی دست به گریبان می‌یابد. به قول جاودان‌باد استاد واصف باختری:

تموز ما چه غریبانه و چه سرد گذشت

کبودجامه از این تنگنای درد گذشت
نسیم آن سوی دیوار نیز زخمی بود

چو از قبیله‌ی اشباح خوابگرد گذشت
ز دوستان گرانجان کجا برم شکوه

کنون که خصم سبک‌مایه هرچه کردگذشت
دلَم نه بنده‌ی افلاک شد نه برده‌ی خاک

ز آبنوس رمید و ز لآزورد گذشت
بگو که کید شغادان به چاهسارش کشت

مگو که وای بین رستم از نبرد گذشت
در این غروب، غریبانه دل هوای تو کرد

حریق لاله ز رگ‌های برگ زرد گذشت
چو دل به دست ز کویت گذر کنم گویی

یکی ز شیشه فروشان دوره‌گرد گذشت
قسم به غربت واصف که در جهان شما
یگانه آمد و تنها نشست و فرد گذشت

مرد گفتش احمقی و بیقرار

کی بود نام مهین نان؟ شرم دار

گفت: در قحط نشابورای عجب

می گذشم، گرسنه چهل روز وشب

نه شنودم هیچ جا بانگ نماز

نه دری برهیچ مسجد بود باز

من بدانستم که نان نام مهین است

نقطهٔ جمعیت و بنیاد دین است

از پی نان نیستت چون سگ قرار

حق چو رزقت می‌دهد توحق گزار

حق چو رزقت داد و کارت کرد راست

تو بخور وز کس مپرس این از کجاست

پنج تکبیر : درمیان اهل سنت در نماز میت چهار تکبیر

گفته میشود و روایات بسیار در این مورد باب هست از قبیل «التکبیر علی جناززارع» ویا «کبروا موتاکم باللیل والنهار اربع » واینکه ابوسعید از امام علی بن ابیطالب نقل میکنند که بر مرده پنج تکبیراست وازمسلمان فقه شیعی است «ثم یرفع الام یده بالتکبیر ویکبر خمس تکبیرات »به لحاظ تاریخی مسألهٔ تعدادتکبیرات چندان روشن نیست. ابن رشد در«بدایه المجتد »میگوید: در این باب اختلاف بسیاروجود دارد از سه تا هفت تکبیر رانقل کرده اند وبعد می گوید فقهای بلاد برآندند که چهاراست ولی غیرشیعه نیزپنج تکبیر رانقل میکنند. درادب فارسی چهار تکبیر برجیزی گفتن رواج دارد، چنانکه حافظ گوید:

من هماندم که وضو ساختم از چشمهٔ عشق

چهار تکبیر زدم یکسره برهرچه که هست

شفاعت پیران : اشاعره شفاعت را از جانب رسل و اخبار

در حق اهل کبایر جایز می دانند برخلاف معتزله (شرح عقاید نسفی) و شیعه هم شفاعت ائمه را علاوه بر رسول ص از مسلمیات می داند. صوفیه برای مشایخ خویش نیزمقام شفاعت راقابل شده اند.

اما قشری درذیل آیهٔ **یَوْمَئِذٍ لَّا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْلَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا**، می گوید: شفاعت بزرگان از برگزیده‌گان حق درمورد آصاغر(خردان) مقبول است وحق امروز مشایخ را در کار مریدان شان شفاعت می پذیرد وبعد توضیح می دهد که این شفاعت به دو گونه است، برای اصحاب سلوک از رهگذر فزونی تحقیق و توفیق است و برای آنان که گرفتار تحبط وغرور اند از طریق گذشت در حق ایشان /.

ادریس رحمانی

طالبان دارند چه بازی میکنند؟

درمیدان بازی جدید افغانستان طالبان کارت ها ذیل را در عین زمان به دست گرفته اند و به شدت مصروف شغل کردن انها هستند:

۱. کارت ایجاد یک مشروعیت سیاسی ۲. کارت تحفظ و دفاع از منافع پشتون ها۳. کارت تحفظ و دفاع از منافع بنیاد گرایبی اسلامی
۴. کارت تحفظ و دفاع از منافع تریاک و مینا فیدامین افغانستان
۵. کارت همکاری تاکتیکی باروسه‌اء. کارت همکاری استراتیژیک باچینیها ۷. کارت همکاری تاکتیکی واستراتیژیک همزمان باغریبها

۸.کارت همکاری تاکتیکی باایران و کشورهای خلیج فارس ۹. کارت حمایت تاکتیکی از القاعده ۱۰. کارت حمایت تاکتیکی از جنگنده های اسلامگرای آسیای میانه ویغور ۱۱. کارت حمایت استراتیژیک از تی تی پی.۱۲. کارت جنگ – رقابت – مدارا و مذاکره همزمان باداعش ۱۳. کارت همکاری مالی و اقتصادی با کمپنیهای مختلف چینی – ایرانی – روسی و بقیه کشور های جهان
در عین زمانو چندین کارت دیگری که نمیشود همه شانرا اینجا نام گرفت در یک وقت وارد میدان بازی قدرت طالبان شده است. یعنی واقعا بزرگترین درسی که طالبان از گذشته گرفته اند همین است که باید ۱۰ برابر دیروز ریسک گرفت و با همه طرف ها در عین زمان وارد معامله شد؟ایا ما در کدام کشوری از دنیا سراغ داریم که چنین یک محاسبه بی سیاسی نتیجه داده باشد؟ایا میشود با این همه نیرو ها و کشور های مختلف که منافع کاملاً متضاد دارند کنار آمد؟اگر نه – ایا میشود این همه نیرو ها و کشور ها را در عین زمان بازی داد؟اگر جواب اخری ما بلی نباشد پس باید منتظر یک درس بینهایت بزرگ دیگر تاریخی بود که معلوم نیست چی وقت و از اکدام طرف فرا خواهد رسید ولی هروقتی که آغاز شود تمام مردم افغانستان بخصوص مردم پشتون افغانستان تاوان این همه بی باک و بی محابا بازی کردن طالبان راخواهند پرداخت.زمان کار است تا مغز های متفکر طالبان دریابند که ایا انها مبتکر ترین بازیگران سیاسی در تاریخ بشریت هستند که چنین بی باک بازی میکنند و یا هم ناکام ترین گروهی که به هیچ وجه از بازی های گذشته هیچ چیزی نیاموخته اند./

تشدید بحران اقتصادی ...

کشورها به علت نقض گسترده حقوق بشر، تعاملات خویش را با طالبان به‌طور چشم‌گیر کاهش داده‌اند، اما تعاملات و تجارت کشورهای منطقه با گروه طالبان انکشاف قابل ملاحظه داشته است. حالا این سوال مطرح است که آیا توسعه روابط تجاری با کشورهای منطقه، نارسایی‌ها و مشکلات اقتصادی ناشی از عدم رسمیت و نبود ارتباط متقابل با جهان را جبران خواهد کرد؟

ایران و چین، طرف‌های عمده روابط تجاری طالبان :

مبادلات تجاری افغانستان تحت حاکمیت طالبان با ایران رشد قابل ملاحظه داشته است. افغانستان بازار مهمی برای تولیدات ایرانی است. مبادلات تجاری ایران در چهار ماه نخست سال ۲۰۲۴ با افغانستان حدود ۷۲۵ میلیون دالر بوده است، در حالی که در چهار ماه اول سال ۲۰۲۳ این رقم ۵۲۵ میلیون دالر بوده و در یک سال، ۳۸۰ افزایش داشته است.

ارزش صادرات ایران به افغانستان طبق آمار اتاق مشترک افغانستان و ایران در طول سال ۱۴۰۲ مبلغ یک میلیارد و ۸۴۹ میلیون دالر بوده، اما واردات ایران از افغانستان در آن سال خیلی ناچیز و در حدود ۵۰ میلیون دالر بوده است. به دلیل بحران اقتصادی و سیاسی روبه‌وخامت در ایران، انتظار نمی‌رود روابط تجاری طالبان با آن کشور اثر مثبت چندانی بر اقتصاد افغانستان بگذارد. تلاطم لگام‌گسیخته بازار مالی و پولی، اقتصاد ایران را بسیار آسیب‌پذیر و کم‌جاذبه ساخته است و احتمال افزایش صادرات افغانستان که محدود به مواد معدنی و محصولات زراعتی است، در آینده نزدیک به آن کشور بسیار کم است.

طرف تجاری دیگر طالبان همسایه شمال‌شرقی ما، چین است. چین در سال ۲۰۲۳ براساس آمار ملل متحد یک میلیارد و ۲۷۰ میلیون صادرات به افغانستان داشته و وارداتش از کشور ما فقط ۶۴ میلیون دالر، یعنی ۲۰ برابر کم‌تر از صادراتش بوده است. اخیراً چین اعلام کرده که افغانستان به‌حیث کشور کم‌ترین انکشاف‌یافته مثل برخی کشورهای مشابه در قاره افریقا از تعرفه‌های گمرکی معاف شده است. ولی با نگاه به حجم ناچیز صادرات افغانستان، می‌توان گفت که معافیت تعرفوی اعلام‌شده تاثیر چندانی بر اقتصاد کشور نخواهد داشت.

چین در ماه دسامبر ۲۰۲۲ قرارداد پرمفعت استخراج میدان نفتی قشقری و سایر میدان‌های نفتی آمو دریا در ولایات جوزجان و فاریاب را امضا کرد که براساس آن در سه سال اول، آن کشور ۱۵۰ میلیون دالر و بعد از آن برای ۲۲ سال، ۵۴۰ میلیون دالر در این حوزه‌های نفتی سرمایه‌گذاری خواهد کرد. حتا اگر چین به این تعهدات عمل کند، اثرات سرمایه‌گذاری چین بر وضعیت شغلی و عایداتی مردم افغانستان چندان امیدبخش نیست. تجربه کشورهای آسیای میانه از سرمایه‌گذاری‌های چین نشان می‌دهد که آن کشور برای انتقال دانش به نیروهای محلی کاری انجام نمی‌دهد و تمام نیروی متخصص و حتا بخش عمده کارگران عادی را در پروژه هایش از چین وارد می‌کند. سیاست چین در این سرمایه‌گذاری‌ها باعث تشدید وابستگی کشورهای فقیر می‌شود.

قابل یادآوری است که سهم پاکستان در تجارت افغانستان به‌خصوص در بیست سال دوره جمهوری اسلامی بسیار پررنگ بود و انتظار می‌رفت که در حاکمیت طالبان این روابط افزایش یابد؛ اما در عمل چنین نشد. تنش‌های موجود بین طالبان و حکومت پاکستان منجر به اعمال تعرفه‌های سنگین گردیده و در نتیجه تجارت دو کشور از دو میلیارد دالر به کم‌تر از یک میلیارد دالر کاهش یافته است.

توسعه روابط تجاری آسیای میانه با طالبان با ترس و نگرانی همراه است. روابط طالبان با آسیای میانه جز تاجیکستان گسترش یافته است. تاجیکستان طالبان را تهدیدی مستقیم برای امنیت خود می‌داند و این گروه را به حمایت از جنبش انصارالله متهم می‌کند. در عین حال تاجیکستان میزبان سران و فعالان جبهه مقاومت ملی است. باوجود آن، تجارت بین دو کشور به‌طور نسبی جریان دارد و در هفت ماه اول سال ۲۰۲۴ ارزش مجموعی تجارت دو کشور تنها ۳۰ میلیون دالر بوده که ۸ میلیون صادرات افغانستان را مواد زراعتی و ۲۲ میلیون صادرات تاجیکستان را برق، سمنت، روغن و غیره تشکیل می‌دهد. با این حال روابط تجاری کشورهای آسیای میانه در مجموع، به‌خصوص اوزبیکستان، قزاقستان و ترکمنستان با امارت طالبان روبه‌افزایش است. دلیل گسترش این روابط عمدتاً سه چیز است. دلیل نخست، امنیت مرزهای شمالی و راه‌های تجاری است. گروه طالبان، عامل اصلی بی‌ثباتی در دو دهه اخیر، حالا در افغانستان حاکم است و جنگ تقریباً متوقف شده است. این امر به تسهیل روابط تجاری کشورهای منطقه با افغانستان کمک کرده است. دلیل دوم، ترس کشورهای آسیای میانه از احتمال سرایت خشونت از افغانستان به آن کشورها توسط گروه‌های دهشت‌افگنی است که در خاک(ص

او این جنبش نیو محافظه کاران را در داخل حزب جمهوری خواهان به حرکت بزرگ مبدل نموده که بغاوت و تمردش در عدم پذیرش نتایج انتخابات قبلی و یورش طرفدارانش به پارلمان و دادگاهی شدن‌ها و بسا برچسپ‌های دیگر اوبرای انتخابات درون حزبی خود هم بی رقیب ماند.

حتی در اوایل انتخابات درون حزبی مایک پینس یارو همکار سابق و معاون ترامپ هم امسال نامزد ریاست جمهوری این دور شد اما به مجرد پا گذاشتن ترامپ درین انتخابات، عاجل مایک پنس از گردونه انتخابات بیرون شد و حتی جمهوری خواهان به دموکراتها هم نقل دادند که برای شکست ترامپ بایدن و هریس قوی نیستند. باید بعد از کنار کشیدن بایدن از انتخابات، کنوانسیون دموکراتهایک گزینه و چهره جدید و قوی را نامزد نمایند .

حالا سخنانی از برنی سندرز از زاویه دیگر، سناتور برنی سندرز که زمانی خود نامزد حزب دموکرات برای ریاست جمهوری بود در این انتخابات توانست از ایالتش ورمونت دوباره سناتور دمکرات انتخاب شود. او درس‌خویش بعد از اعلام پیروزی ترامپ گفت شکست دموکراتها در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس و پارلمان روی این بوده که تیم نامزدان برنامه های شفاف و استراتژیک ارائه نتوانستند و هکذا طبقه کاسب و در مجموع کارگران را رها نموده بود، نباید برای ما مایه شگفتی شود چرا که همین قشر کارگران و اهل کسبه به دموکراتها پشت دور دادند، در حالیکه هنوز هم شگاف بوجود آمده را این تیم دموکرات درک نکردند و برنامه شفاف و خط مشی روشن ارائه نتوانستند. فقط منظورشان ادامه راه و روش و منش بایدن بیان میشد و بس. لهدذا بیشتر کارگران خواهان تحول شدند و البته حق هم داشتند. باید گفت که زندگی مثل یک پیاله ای جای است به ندرت پیش می آید که هم رنگش درست باشد، هم طمعش و هم داغیش ، و هم هیل داشته باشد، که اگر میسر شود لذتی عالی دارد. و امروز این جای با همه مزایای یاد شده برای جمهوری خواهان مهیا و دم داده شده. است .

در انتخابات امسال قبل از انتخابات ارتش درسرها و اماکن و دوایر پیاده شده اند. دیگر اینکه این انتخابات به این خاطر از ارزشش کاسته شده می رود که ایلان ماسک مولتی میلونر و بیل گیتس مولتی میلونر ، اولی از دونالد ترامپ و دومی از خانم کمبلا هریس حمایت شان را اعلام نمودند البته این حق شان است که منحیث شهروند امریکا به کی رای بدهند، اما جان گپ در این بوده است که ایلان ماسک مالک کمپنی تسلا موترهای برقی و مالک کمپنی تویتر شبکه مجازی ایکس. وعده داده که کسانی که به ترامپ رای بدهند، و او حاضر است که در استیت های چرخشی و سرنوشت ساز و کلیدی به کسانی که به ترامپ رای بدهند ملیون دالری جایزه ویا تحفه ؟ می دهد، و شبکه های اجتماعی او هم منحیث یک ابزار برای استحکام تبلیغاتی ترامپ کار نمودند ، هر چند گفته شده که این کاراو دموکراسی رامی خواهد که به ثابوت انتخابات وحتی دموکراسی فانه ویا میخ بزند. و این بدترین نظر و پیشنهاد بوده و است وآنهم در قلب دموکراسی دنیا، و همین باعث شد که فردای انتخابات ارزش سهام و دالر بلند برود و هکذا سهام ایلان ماسک هم سیزده فیصد بلند رفت .

گذشته از آن در حالت پر التهاب فعلی و به شدت آسیب دیده و چند قطبی شده جامعه در محیط مردم سالاری، چند تا ازافغانهاکه با بل برق آمده اند از جمله(جنرالهای تصنعی) که ملک و مردم را رها نموده اند این ها یا اشخاص که در اصل ضابطان اند و مغضوبان اند. گویا به نام کتله وسیع افغان ها اما در اصل از طرف خود شان (از کیسه خلیفه) رای و فیصله صادر نموده راهی اند ، که به این نامزد رای بدهید رای بدهید و دیگرش که نه به او نامزد دیگر رای بدهید . واقعا حیا هم خوب است که یکی گروه شان از ترامپ جانبداری شانرا اعلام نمود و دیگرش اینکه گویا ترامپ را متوقف بسازند و به کمبلا هریس رای بدهید به نمایندگی از مردم و کتله وسیع گپ می زنند. در حالیکه ایمان داری و زنهارداری این قماش ها در حصه ملک و مردم معلوم دار و روشن است ، ولی با چشم سفیدی از آدرس مردم صحبت می نمایند و در این جاها هم از کمیته و انجمن شان گپ می زنند. اگر تنها از طرف خود بگویند که چه می کنند و به کی رای می دهند کاری با اوشان نیست، اما وقتی برای دیگران بدون سنجش و روشنی و وضاحت. خط و خطوط ترسیم می نمایند و از کتله و بخشی یاد می نمایند این ها در واقع می خواهند که دموکراسی این جاها را هم که به قیمت بزرگ بدست آمده آنان بیع زده و بی مقدار و بی محتوا سازند .

دیروز رسانه ها تیتز زدند که امریکا در حال زایمان است بدون سونو گرافی دیده شود که دختر است و یا بچه، و امروز معلوم شد که زایمان پسربود . از کسی خبرنگاری پرسید به کی رای میدهی؟ گفت به خوشحالی و خوشوقتی، گفت ببخشید سوالم را متوجه نشدید ، جواب داده شد که شما معنای زندگی و آرامش را متوجه نیستید.

مشتاق احمد کریم نوری سانفراسسکو

ضابط جنرالان حق ندارند از کل افغانهای امریکا نمایندگی کنند!

در این شماره به انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده پرداخته شده. ولی طبق وعده برای چند شماره بعدی از مجمع عمومی هفتاد و نهم سازمان ملل متحدخواهم نوشت انشاءالله. انتخابات ایالات متحده در پنج نوامبر ودرسه شنبه بزرگ انجام شد. انتخابات که بانظر سنجی هاگفته می شد خیلی تنگاتنگ است. اما در روزهای بعد ازانتخابات دیده شد دونالدترامپ اضافه ازعدد جادویی ۲۷۰ الکترا کالج انتخاباتی را از آن خود کرد،درحالیکه تا حال خانم کامیلا هریس ۲۲۴ الکترا رای کالج انتخاباتی را بدست آورده. وهمچنان این در حالست که درسنا هم که صد سناتورمی باشد. پنجاه ودو سناتور از جمهوریخواهان برنده شده اکثریت رابردندوتاحال که همه اعضای کانگرس هم که در انتخابات اندجمهوریخواهان ۱۹۸ کانگرسمن ، و ۱۸۸گانگرسمن هم از دموکراتها تا به حال انتخاب شده اند که کمی زمانگیراست تا مشخص شود که دموکراتها آياهر دومجلس را از اکثریت می بازند یا خیر؟

درین خزان دموکراتها ضربه خوردند وبگفته یکی از آنان، زندگی مقبولتر می شد که اگر به اندازه تمام برگهای پائیز برای یکدیگر آرزوی خوب وشفاف می داشتیم، دونالد ترامپ را دست کم گرفته بودیم به دورزاینکه هرجا که دارایی بزرگ باشد، نابرابری بزرگی وجود دارد، وحقیقت آنقدر قیمتی است، که همیشه باید باسپاهی ازدروغ حفظ شود. گرفتن همه ایالتهای سرنوشت ساز یا (ایالتهای چرخشی) وکلیدی به نفع ترامپ شاهدمدعاست .

ازافغانستان هم امروز درروزپیروزی ترامپ یادشد وسربازانی که درافغانستان از بین رفتند. در پی رها کردن بایدن و رو دور دادن ازافغانستان که شرم همه کسانی باد که تحمیل کننده و عامل بدیختی های افغانستان اند.امروز دیده می شود که زلمی خلیلزاد باز فیلش شوق هند نموده وبرای کاربایی و سفر رویی تازه توییت نموده بعد ازپیروزی ترامپ، که گویابا پیروزی او زمینه کامل توافقنامه دوحه مهیا و فراهم گردیده است ؟! این فرزند ناخلف از زادگاهش پروژه سازی نموده و بازاری برای بهره برداری جور کرده، او یادگرفته که مسایل مرتبط به افغانستان را در کجا وچطور برای روز تیری وبهره وری کسادی و رونق بازارش تدارک ببیند. واقعا شرم هم خوب است. ازترامپ تمنا داریم که هیچ امری ازافغانستان را بدوش این فرزندناصالح نسیاردو هکذا این بار لطفا فریب جنرال نما های تصنعی و دپلماتهای میان خالی ولیدر نما های پوفکی را به نام اینکه گویا و به فحوای اینکه تشکیل حکومت عبوری وگفتگو بین الافغانی جز پروسه دوحهٔ قطربوده وباقی مانده ، باز این تاجران و بی خردان رامامور نسازد واز آزمون شدگان قبلی بکلی تیرشوندو نو noمشقی کش نماید! ما حاضریم که کما حقه اشخاص گرانمایه و نخبگان پرمایه وتازه رابه شما معرفی داریم، بایدن و بلینکن درهمین تازگیها تام ویست را از نمایندگی امور افغانستان سبکدوش نمودوهمین امر برملا ساخت که این دویه راستی به افغانستان پشت دور داده است . پس شما بی تفاوت نمایند و با تغییر همگانی درپرسونل کاری در امورافغانستان اقدام عملی نمایید. خصوصا که ترامپ حتی این بار رای مردمی را هم از آن خود کرده است او که چهل و پنجمین ریس جمهور امریکا بود اکنون با پیروزی این دور به حیث چهل و هفتمین ریس جمهور امریکا قرار است که تا هفتاد پنج روز دیگر دفترش را در قصر سفید در بیست جنوری سال ۲۰۲۵. را بدست می آورد . و چون او تاحدودی آدم عملگرا معلوم می شود. همین امروز برای کابینه اش کار را شروع نموده و برای سه وزارت کلیدی مثل دفاع و مالیه و خارجه هم چندین گزینه های را مدنظر دارد. برای وزارت دفاع گزینه های مثل مایک پمپئو ، تام کاهن ، و مایک والتر. هستند و هکذا. ریچارد گرزل و کیت کلوگ برای مشاوریت امنیت ملی گزینه ها اند . هکذا برای وزارت مالیه هم اسکات بسنت و جان بالسون و لری کودلو مدنظر اند . و برای وزارت خارجه هم گزینه های چون رابرت اوبراین و بیل آگرتی و مارکو رویو. در نظر است البته از همین گزینه ها که یک ، یک شان برای این سه وزارت ها اعلام شدند ممکن از همین ها برای ترمیم کابینه در پست ها و مقام های دیگر استفاده شود.

هکذا خانم سوزان وایلز را که رهبری ستاد انتخاباتی ترامپ را بدوش داشت به حیث ریس دفتر کاخ سفید تعیین نمود و قبلا هم ریاست ستاد چند نامزد ریس جمهور و گورنر و سناتور را هم موفقانه آنجا داده و در کارنامه دارد. ولی این بار دونالد ترامپ به توظیف اشخاصی خواهد پرداخت که. در جریان انزوا و داد گاه رویی هایش هم. به. او وفا دار بوده اند ، که در این تیم جدید او. مایک پنس و کریس کریستی و رودی جولیانو و چند تای دیگر دورا ول نخواهدباشد. اما این بار ترامپ بیشتر مغرور شده که حزب جمهوریخواه را متحول ساخته است.

شرح اشتراک هفته نامه امید

ایالات متحده: ۶ ماه (۴۰) دالر - یکسال (۸۰) دالر

کانادا: ۶ ماه (۴۵) دالر - یکسال (۹۰) دالر

سایر کشورها: ۶ ماه (۵۰) دالر - یکسال (۱۰۰) دالر

Omaid Weekly
12286 Ashmont Ct #202
Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.
Tel : (703) 491-6321
Email: mkqawi471@gmail.com

مستقیم نفوذ تندروان و تروریستان از خاک افغانستان مواجه نیست،

اما عواقب نفوذ احتمالی تروریستان از افغانستان به آسیای میانه و ناامنی در کشورهای مجاور را درک می کند. با آن که ظاهراً قزاقستان عمدتاً به دلیل اهداف مالی و اقتصادی با طالبان دادوستد می کند، اما پشت تماس های آن کشور نیز نگرانی امنیتی وجود دارد. قزاقستان طالبان را از فهرست گروه های تروریستی حذف کرده و نماینده آن گروه را پذیرفته است.

تجارت هم بین دو کشور رشد قابل ملاحظه پیدا کرده است. صادرات قزاقستان به افغانستان به ۹۸۷ میلیون دالر رسیده است که عمدتاً آرد، گندم، روغن و مواد نفتی است.

تجارت اوزبیکستان با افغانستان هم رشد قابل توجه کرده است. اوزبیکستان آشکارا نگران پناه گاه های تروریستی در افغانستان است. این کشور را حضور داعش و جنبش اسلامی اوزبیکستان در خاک افغانستان خیلی نگران ساخته و سعی می کند تا از طریق همکاری اقتصادی و تماس با طالبان خطر نفوذ تروریستان به خاکش را کاهش دهد.

در ماه آگست امسال صدراعظم اوزبیکستان به کابل سفر کرد و طی آن سفر ۳۵ توافق نامه به ارزش دو و نیم میلیارد دالر در بخش های تجارت و سرمایه گذاری عقد گردید. در حال حاضر افغانستان عمدتاً برق، گندم و آرد را از اوزبیکستان وارد می کند. اما به دلیل نگرانی اوزبیکستان از رابطه طالبان با تروریستان اوزبیک، آینده روابط اقتصادی آن کشور با افغانستان در هاله ابهام قرار دارد و ممکن است یک اتفاق تروریستی باعث فروپاشی این روابط شود.

ترکمنستان نیز اعلام نکرده است که رژیم طالبان را به رسمیت می شناسد، با این حال عملاً روابط دیپلماتیک با رژیم طالبان را برقرار کرده است. افغانستان برای تامین بخشی از برق به ترکمنستان اتکا دارد. اخیراً بین دو کشور ۱۳ قرارداد تجاری با ارزش ۲۰۰ میلیون دالر امریکایی در بخش های سیخ گول، سنگ مرمر، رنگ و مواد غذایی امضا شده است.

مهم ترین موضوع اقتصادی برای ترکمنستان پروژه تاپی است. هدف آن کشور تامین مسیرهای متنوع برای صدور گازش است که عمدتاً به روسیه صادر می شود. این پروژه در دور اول حکومت طالبان (۱۹۹۷) جهت انتقال گاز طبیعی ترکمنستان از مسیر افغانستان به پاکستان و هند طرح شده بود.

آغاز کار این پروژه چند بار در زمان جمهورییت افتتاح گردید، ولی به دلیل ناامنی عملی نشد. اخیراً طالبان نیز آن را افتتاح کرده اند، ولی هنوز گام عملی قابل توجه در اجرای آن برداشته نشده اند. اکنون که عاملان ناامنی اداره کشور را به دست گرفته اند، سیاست های ضدبشری تطبیق این پروژه بزرگ را با چالش روبه رو کرده است؛ زیرا تطبیق چنین پروژه ها بدون همکاری منطقه ای و وجود حکومت رسمی آسان نیست.

طالبان از یک سو با اعمال سیاست های تبعیض آمیز و ضد پیشرفت، نیروهای ماهر و سرمایه گذاران داخلی را وادار به ترک کشور کرده و از سوی دیگر با این سیاست ها تمایل اکثریت مردم، به ویژه شهرنشینان، زنان و اقلیت های فرهنگی و نیروهای سیاسی غیرطالب را به انزوا کشیده و در نتیجه توانایی داخلی را در انجام کارهای بزرگ توسعه ای و تعاملات تجاری منطقه ای کاهش داده است.

از این رو می توان گفت که روابط تجاری با کشورهای منطقه پاسخ بحران فقر و بیکاری حاکم در افغانستان نمی تواند باشد. بدون گشودن دروازه های مکاتب به روی همه کودکان و نوجوانان، تشویق کار و ابتکار، حمایت از خدمات و آزادی های مدنی که زمینه ساز رشد مناسبات سازنده فرهنگی و اقتصادی می شود و بدون ایجاد حکومتی که مردم افغانستان آن را شایسته حمایت و همکاری بدانند و جامعه جهانی تامین رابطه با آن را پرخطر یا مایه شرم ساری نداند، بار کمرشکن بیکاری و گرسنگی از شانه های مردم ما کم نخواهد شد. /

یعنی این امیر طراح محتسبیزم یک حریص ماموریت بوده برای این ماموریت خود کوزه و خود کوزه گر و خود گل کوزه هست که از طرف مردم کدام موظفیت برایش داده نشده بلکه آنرا از طریق انتحار و قتل و تخریب بدست آورده است؛ معلوم میشود این مقام خود توظیف و خود مختار به ذات خود غیر شرعی است (همانجا صفحه ۱۸۱).

در فقره ۳۳ در صفحه ۸۴ در باره دریافت همکاری (کمک) است. درینجا وزارت خواسته است تا مسؤولین ولایتی او طرز العمل ها را با سایر مسؤولین ولایت مربوطه نیز شریک سازد و همکاری و کمک شان را دریافت کند. فقره ۳۴ در صفحه ۸۵ در باره ترتیب لایحه جهت پیشنهاد منظوری به امیرالمومنین نوشته شده است. و فقره ۳۵ انفاذ احکام است. و از صفحه ۸۸-۱۱۰ به تعداد ده توصیه در باره نماز دارد و همه توصیه های است که در سن شش سالگی والدین مرحوم و جنت مکان من در باره نماز به ما تدریس نموده بودند.

در ضمیمه که در صفحه ۹۳ نماز عنوان داده شده ترک نماز جماعت را منافقت نوشته شده و در صفحه ۱۰۰ نوشته شده که رسول الله اراده و قصد داشت: مسلمانانی که نماز در خانه می خوانند و به جماعت ادا نمی کنند هیزم جمع شود و آن خانه سوختانده شود. این چه تهمت به پیامبر اسلام است که از یک سو صاحب اسوه حسنه باشد و از سوی دیگر خانه مردم را بسوزاند. رسول الله فرموده است که احادیثی که با آیات قرآن موافق نباشد حدیث من نیست. و هم از حدیث مبارک که در بالا تذکر دادم (از حضرت ابو هریره روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: خانه هایبان را قبرستان نسازید چون شیطان در خانه که سوره بقره خوانده می شود فرار میکنند)

ادعای وزیر امر معروف و نهی منکر یا محتسبیت **muhtasibist** را که هر کس در خانه نماز بخواند منافق است و خانه اش سوختانده شود رد کرده است. بناء، این یک حدیث صحیح نبوده گفتار کسانی را که ادعا دارند طالب و امیر شان از اسلام استخباراتی و پروژه ای نه حقیقی خبر دارند تایید میکند: اقرار همفر [جاسوس انگلیس مربی محمد بن عبد الوهاب این ادعا را تصدیق میکند.

تفصیل در باره تکبیر اول و پیروی از امام تذکر یافته است و اگر درست صورت نگیرد باید تکبیر تجدید شود. ما در دنیای زندگی داریم که فشار های روحی زیاد از هر طرف بر ما غلبه وارد کرده است. عبادت باید آرامی خاطر و رفاه روحی بار بیاورد فرد بعضی وقت متوجه نمیشود و همین مراحل قسمیکه توصیه شده اجرا نمی گردد و اما چیزیکه ندانستیم اینست که این تکبیر اول در نماز جماعت است و گفته شده که تکبیر تجدید شود. با اینکار اصل اساسی جماعت نادیده گرفته میشود که فرد از پیروی امام برآمده تکبیر خود را تجدید کند که منطقی بنظر نمی رسد و دیگر اینکه نماز عبادت است و عبادت بین خدا و بنده اش میباشد چه لازم که محتسب تجسس کند و تعزیر روا دارد و باز تکرار میکنم که [بسر و لا تعسر] امر قرآنی و هدایت نبوی صلی الله علیه وسلم نزد این طالبان ظالم کدام معنی ندارد.

بما تدریس شده که مسخ دیگر بین مردم صورت نمیگیرد چون محمد در بین شان است. پس چرا کس بترسد که با یک اشتباه جزئی سرش [سر خر بگردد] چرا فکر نکند که خداوند [غفور و رحیم] است.

با ترساندن و ترضیض روحی از محتسبیزم خیانت بزرگ برای اسلام مرتکب شده اند.

در اخیر دستور العمل های که وزارت محتسبیزم پخش کرده است همه ناقص، خارج از شریعت اسلام و خلاف قرآن و حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم بوده فقط برای ترس و دور ساختن جوانان ما از اسلام طرح شده است. این گناه کبیر طالبان خوشی و مسرت زیاد را برای مرتد ها (atheists)، منکران خدا (agnostics) و خدا نا شناس ها (non theists) میسر ساخته است چون با این روش نامسلمانی بعضی جوانان از اسلام خارج شده پیروان این گروه مرتدان میشوند. قرار گفته جناب محترم سید بلال فاطمی که در مصاحبه با پروگرام وزین تلویزیونی افغانستان = چنگال گفت: [طالبان با توشیح قانون امر به معروف و نهی از منکر، قیر نظام نوپای خود را کردند]. والسلام علی من التبع الهدی /

تشدید بحران اقتصادی ...

افغانستان پناه گرفته اند. این کشورها ترجیح می دهند که با حفظ و توسعه روابط اقتصادی، طالبان را به مهار گروه های تروریستی آسیای میانه که در خاک افغانستان پناه گاه و پرورشگاه دارند، تشویق کنند. منافع اقتصادی ناشی از توسعه تجارت نیز در افزایش دادوستدهای تجاری نقش دارد اما در شرایط کنونی، دلیل اصلی نیست. قزاقستان با افغانستان مرز مشترک ندارد و با خطر

محتسبیزم معرفی شد

و نه قمار میزنند و هم از عهده سگ جنگی و قس علی هذا برآمده نمیتوانند. سروری و حفیظ الله امین طفل و دیوانه را به قتل رسانیده بودند ممکن اینها هم چنان روشی در نظر داشته باشند؟

فقره ۲۴ در باره تعزیرات توسط محتسب در صفحه ۷۴ است که دارای مراحل ذیل است: [توصیه، ترساندن از عذاب الهی، تنبیه و تهدید قهر آمیز، تلف مال مرتکب، حبس از ۱-۲۴ ساعت در محابس عمومی، حبس از ۱-۳ روز در محابس عمومی، جزای که محتسب مناسب داند و مختص به محاکم نباشد]. یعنی محتسب حق دارد از خشونت کار بگیرد و حق دارد از سیلی و مشت و لگد و دو و دشنام بر متهم استفاده نموده حواله کند: این یک تجاوز و تعرض واضح بر احساسات مردم مظلوم ماست. حق دارند کراچی یک غریب کاری را که میخواهد لقمه نان حلال برای فامیل خود بدست بیاورد تلف کند؛ این ظلم واضح محتسبیزم است! و هم محتسب حق دارد که بدون رجعت یک متهم یا مرتکب به قضاء و عدالت خودش هر چه مناسب دید مردم بی گناه را که به ذوق طالبی برابر نباشد تعزیر کند یعنی محتسب به دل خود هر جزایی که بخواهد تطبیق کرده میتواند. این دستوریست که ظلم را بر مردم مظلوم روا دانسته بر شریعت تهمت بسته اند.

فقره ۲۵ در صفحه ۷۶ [به روسای شهر ولایتی هدایت میدهد که صلاحیت دارند فقره های فوق را به مرتکب تطبیق کنند. آمران حوزه ها و ولسوالی های امر معروف و نهی عن المنکر صلاحیت دارند که فقرات فوق را تطبیق کنند]. ولی اگر بعد از تطبیق تعزیرات فوق متخلف اصلاح نشد به محکمه معرفی شود. تجربه نشان داده که بسیاری متهمین آنقدر زجر دیده اند که مصاب تشوشات روحی گردیده در کنجی خزیده اند.

فقره ۲۶ در صفحه ۷۷ [حالات معرفی متخلف به محکمه را در هفت فقره درج کرده اند. بدون عذر شرعی ترک متکرر نماز و فرایض و واجبات بصورت متکرر، بصورت متکرر حاضر نشدن به نماز جماعت، ترک روزه، نافرمانی والدین، رفتار زشت با یتیمان، کسیکه معروفات را ادا نکند و از منکرات اجتناب نکرده است. دیده میشود که موارد تکرار نوشته شده و تبصره ها هم درج شده است.

منکر مهم معتادین مخدرات است که عوض تهدید باید ماندیک انسان محترم شمرده شده تداوی شوند؛ قرار راپور " Copilot: طالبان در افغانستان با معتادین مواد مخدره به شدت بر خورد می نمایند] و هم [محلیکه برای ارجاع عادت فرستاده میشوند نامناسب بوده معتادین تحت فشار و خشونت قرار میگیرند]

ماده ۲۷ در صفحه ۷۸ در باره روش محتسب با مجبوشش است. [مجبوس باید بعد از سپری نمودن حبس بدون تاخیر رها شود]. محتسب در اداء کردن عبادت و رفع نیازهای ضروری و فراهم نمودن سهولتهای لازم برای مجبوسین نظارت و توصیه کند. این یک مزاح است با مجبوسین روش خشن و حتی برای ادای نماز تشناب های ضروری بسیار کم است و انتظار هم دراز.

در ماده ۲۸ در صفحه ۸۰ احکام متفرقه بوده در باره روابط عمومی که تکرار است دو فقره دارد. ماده ۲۹ در صفحه ۸۱ در باره نظارت است که وزارت را مکلف دانسته تا از عملکرد موظفین امر بالمعروف و نهی عن المنکر و سمع شکایات نظارت کند: در صورتیکه همه قدرت به محتسب داده شده است از چه وزارت امر معروف و نهی منکر میخواهد نظارت کند؟ فقره ۳۰ در صفحه ۸۲ در باره گزارش است که [موظفین اجراآت و فعالیت های خود را به وزارت گزارش دهد و وزارت مکلف است که اجراآت و فعالیت های خود را به ملا هبت الله ارائه نماید].

در ماده ۳۱ در باره تعلیم و تربیه کارمندان است سیمینار های تعلیمی و تربیتی دایر کند. در فقره ۳۲ در باره استهداء است که محتسب اگر به عملی مواجه شود که در این احکام ذکر نشده به رئیس مربوطه اطلاع دهد تا از امیر المومنین هدایت گرفته شود. هدایت قرآنی [وامرهم شورا بینهم سوره الشوری آیه ۳۸] کار ها بین شان با مشوره می باشد [نا دیده گرفته شده و اما یک فرد نامعلوم و نادیده چه حق دارد که خلاف اوامر قرآنی تنها خودش تصمیم گیر باشد؛ این یکه تازی و دکتاتوریت نه شریعت! بلکه با این اعمال بر شریعت صدمه وارد کرده اند.

در بخاری، مسلم و نسایی از عبدالرحمن بن حمزه روایت است که رسول الله فرمود: [.. اگر آن مقام طلب شده برایت اعطا شود معانت خداوندی نیز بشما همراه خواهد بود (یونس حیران، سه صد حدیث، قضاء و حکومت، حدیث شماره ۲۲۰، صفحه ۱۷۸) و هم از بخاری نقل شده است که: [همه شما با احراز مقام ماموریت ها حرص شدید دارید اما ملتفت باید بود که این احساس در روز قیامت موجب ندامت و افسوس شما خواهد شد... همانجا صفحه ۱۷۹].

کتاب (یادداشت‌های استاد خلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Amid Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 33, Issue No. 8, NOVEMBER 21, 2024, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسه عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسه عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً هر چه زود تر شرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامه امید ویا ایمیل ذیل تا آخر ماه دسامبر ۲۰۲۵ ارسال دارند. تلفون (۷۰۳ ۴۹۱ ۶۳۲۱) mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge VA 22192-7075 U.S.A.

توانمندسازی نیروی کار در افغانستان

اینکه در محصول نهایی چند فیصد کار توسط دست و پنجه بازوی دهقان انجام می یابد و چند فیصد آن زاده اجناس سرمایه‌ای از قبیل سامان و افزار فوق الذکری می باشد و یا چند فیصد مربوط به بذر و کود کیمیاوی و سایر ادویه جات ضد حشره و امراض و آفات، و همچنین کیفیت طبیعی خود مزرعه مورد استفاده میباشد، تا حال از طرف هیچ مرجع تثبیت نگردیده و تثبیت کردن آن نیز یک امر محال بشمار می رود. مدغم بودن انرژی انسانی با نقش افزار و آلات غیر انسانی و دیگر عوامل تولیدی در ساختار سکتورهای تولیدی جداز زراعت نیز واقعیت دارد و منحصر به سکتور زراعتی نمی باشد. بلند رفتن مؤلدیت کارگر به اساس مزد کارگر در بازار آزاد و یا ملاحظه درجه و اسناد تحصیل و مدت اشتغال و اندازه تجربه وی تخمین میگردد. معمولاً بلند رفتن مؤلدیت کارگران در حالاتی تحقق میپذیرد که دانش ایشان مبنی استعمال بیشتر افزار سرمایه‌ای و بهتر ساختن آنها و طرز و طرق بهتر استعمال آنها و تشخیص بهتر ساحات و موارد مناسبتر برای استعمال شان و همچنین بلند بردن سوبه دانش علمی و تخنیکی خود کارگر بهبودی حاصل نماید و کار به اهل کار سپرده شود. برای عملی ساختن چنین خواسته ها اتخاذ بعض تدابیر ضروریست.

در قدم اول باید شرایط برای بلند بردن سوبه تعلیمی آماده گردد. این امر مستلزم احداث دستگاههای تعلیمی مجهز در نقاط مختلف کشور و طرح برنامه های تعلیمات مسلکی و حرفوی برای شاگردان افغانی می باشد. در مقایسه با تعلیمات عمومی طوریکه قاعدتاً مروج است، تعلیمات مسلکی به منظور کار یابی مرجح تر بنظر میرسد چنانچه تجربه بعضی کشورها مخصوصاً یوتیبیا آنرا نمایان می سازد. در مدت دوازده سال در مکتب غیر مسلکی شاگردان عمدتاً به مضامینی برخورد می کنند که اکثر آنها در عمل به درخور نیستند و فارغان را برای کسب یک وظیفه معاش آور آماده نمی سازند. توجه نباید فقط به درس مسلکی برای شاگردان ذکور معطوف گردد بلکه طبقه انات رانیز درین خصوص حتماً باید در نظر داشت. در یک تعداد چشمگیر ممالک در تحصیل دختران بنا بر ملحوظات مختلف کوتاهی زیاد رخ داده است مخصوصاً در سودان جنوبی، جمهوری افریقای مرکزی، نایجیریا، چاد، مالی، گونی، لائبریا، یوتیبیا و افغانستان. در بین اینها افغانستان بدبختانه یگانه کشوریست که مکاتب بر روی دختران بلند ترازن دوازده بکلی مسدود است. افغانستان درین مورد در تمام دنیا میان متجاوز از دو صد و ده مملکت نظیری ندارد. طالبانی که از فراز کوهها پائین شدند و در شهرها مسلط گردیدند و آنجا به آسودگی و آرامش در سایه صلح بسر می برند، حالا تیشه بپای درخت وطن می کوبند. طوریکه گفته اند (از ماست که بر ماست)

افتاده درختی که به خود می بالید

از داغ تبر به خاک غم می نالید

گفتم چه کسی به ریشه ات زد گفتا

آنکس که به زیر سایه ام میخوابید

با آنکه در ساحه امنیت و رفع خیانت و غیره امور کارهای شایسته صورت گرفته اما همین انسداد مکاتب نسوان است که شاید زود یا دیر منجر به زوال امارت اسلامی گردد. معلوم نیست که امارت اسلامی صلاحیت مسدود ساختن مکاتب متوسطه و ثانوی و بالاتر را از کدام مرجع ذیصلاح بدست آورده است. تعلیم دختران با آنکه مفروض نیست ولی مستحب و خیلی مفید و ضروری می باشد. چنانچه در تمام منشیر بین المللی مربوط به حقوق بشر این حق دختران بوضاحت انعکاس یافته است.

برنامه های مکاتب مسلکی شامل مضامین متعدد و مختلف میباشد که قوای بشری را توانمند میسازند زیرا فارغان را برای استخدام سریع آماده می گردانند مثلاً اختصاص در امور تغذیه، کومک به دندان ساز، کومکهای اولیه، حفظ الصحه دندان، دواسازی، معاون داکتر، پرستاری، قابلگی، شکسته بندی، کایرو پرکس، خیاطی و بافندگی، مستری موتر در ساحات انجن، ترانسیشن، برک، و همچنین در ترمیم موتور سیکل و بایسکل و تراکتور و بولدوزر و ویل های درولیکی و ماشین قیریزی و سایر

افزار ثقیله سرکساز و زراعت، ترمیم کولر و دستگاه تهویه، ترمیم بمبه های چاه، محاسبه و دفترداری، عربضه نویسی، پرزه فروشی، ترمیم بادی عراده جات از قبیل کپی کشی و رنگمالی، سروی کردن اراضی و نقشه کشی و مهندسی، رنگ مالی عمارات، عکاسی، ترمیم کامپیوتر و ساعت دیجیتال و تلفونهای جیبی، کلچه پزی، شربنی پزی، پخت و بز صحن، هتل داری، کومک و همراهی با سیاحین خارجی، باغداری، زنبور داری، مرغداری و معماری، نجاری، حکاکی، آئینه سازی و غیره.

برای آماده ساختن کارگر درین شئون کورسهای اختصاصی متمرکز و قصیر المدت کافی خواهند بود نه دوازده سال آموختن فلسفه و مشتقات و مثلثات و هندسه فضایی و غیره. در قدم دوم استفاده از اجناس سرمایه‌ای است که به منظور توانمندسازی نیروی کار بکار میروند و اکثر آن از خارج وارد میگردند. تهیه چنین افزار و آلات ایجاب سرمایه ملی و خارجی رامی نماید که افغانستان به فقدان آنها دچار است زیرا بنابر محدود بودن عاید افراد مقدار پس انداز شان هم خیلی محدود است و هم کومکهای خارجی تقریباً کاملاً متوقف میباشد. یک کار خوب است اگر دولت یک بانک اختصاصی ایجاد نماید که وظیفه اولی آن اعطای قروض کوچک و کوتاه مدت بشرا یط مناسب باشد برای کسانیکه

آرزو مند آغاز کردن یک فعالیت تولیدی هستند. پروفیسر یونس در کشور بنگله دیش بانکی بنام گرمین بنک تاسیس نمود که از آن طریق مبالغ کوچک قروض در اختیار ملیونها نفر گذاشته شد تا بزندهای کوچک ایجاد و تمویل نمایند که در نتیجه مفاد مشهودی به اقتصاد کشورش تکیه کرد. موصوف در اثر این عملش نایل به دریافت جائزه نوبل گردید.

در سابق کشور ما اتکاء زیاد بالای سرمایه خارجی داشت. درین سه سال اخیر چشمه های امداد خارجی در اثر ملاحظات سیاسی بر روی ما خشک گردیدند. اگر عواقبی مانند انسداد مکاتب دختران که باعث برسمیت نشناختن افغانستان در ساحه بین المللی گردیده اند، از سر راه برداشته شوند احتمال سرازیر شدن سرمایه گذاری خارجیان در افغانستان زیاد خواهد شد و اما پیش از وقوع این رویداد باید سعی بعمل آید که خود افغانستان مقیم ممالک غنی ترغیب شوند تا در افغانستان به سرمایه گذاری در کشور آبابی شان مبادرت ورزند. افغانها افراد وطن دوست اند و اگر شرایطی که سبب تأمین حفاظت سرمایه و حراست جان شان و فامیل شان شده بتواند آماده گردد.

احتمال زیاد می رود که حجم سرمایه گذاری و کار آفرینی شان در افغانستان رونق یابد. تعداد زیاد از افغانهای وطن دوست که سالیانی در اوطان مترقی شامل کار و آموزش بوده اند نه تنها مالک سرمایه شده اند بلکه صاحب کمال و تجربه هم میباشند. ایشان آماده خواهند بود در ملک آبابی نه تنها به دریافت و گسترش بازار برای اتمعه و خدمات افغانی مؤفق گردند بلکه در ساحه نو آوری، تغییر در ترکیبات اجناس و لوازم موجود، کم کردن ضایعات در تولید و بیع و اشتراک، تسریع عمل در معاملات، استفاده مؤثرتر از افزار و آلات، تطبیق مؤثرتر عمل استخدام و رهنمایی سالم کارگران، اعطای انگیزه و مکافات به کارگر و غیره خیلی مفید و مؤثر واقع گردند. درین راستا امارت اسلامی باید سعی بلیغ بخرج دهد که با طرح و تطبیق قوانین و مقررات مثبت افغانی چیز فهم و متجرب و بولداری را به عودت به افغانستان و به سرمایه گذاری ترغیب نماید. این عمل نیروی کار را به اسرع وقت توانمندتر می سازد حالانکه انکشاف و اصلاح تعلیم در مکاتب گرچه فوق العاده مطلوب می باشد یک عمل وقتگیر است.

بعضی از افغانهای ما در رسانه های دسته جمعی ادعا کرده اند که سرمایه داران وطن ما در خارج از تجارت و بهره برداری از آن که بزعم ایشان یک کار آسانست دست بردار شوند و در عوض آن در احداث صنایع در وطن مبادرت ورزند. اما باید گفت که تجارت خود یک عمل فوق العاده مفید بشمار میرود. تاجر است که از نقاط مختلف به صدها مشکل تولیدات وطن راجع آوری می نماید، به استندرد عالی آماده تصدیر می سازد، در انکشاف دنیا برای شان بازار جستجو می نماید و خطر زیان را به کمر میگیرد و میفروشد و از ماحصل آن کالای مورد نیاز مملکت را وارد می سازد و برای یک عده افراد بیکار کار می آفریند و علاوه آن به دارایی اسعاری وطن می افزاید.

تاجربه عمل تجارت مهارت حاصل کرده که نمی شود عمل تجارت را ترک و خود را مؤظف به احداث فابریکه نماید که این عمل خود داشتن تجربه طولانی را تقاضا می کند. تجارت یک عمل زودرس است در حالیکه احداث یک فابریکه صنعتی سالها را دربر می گیرد تا مصرف خود را پوره کند. ما حصل تجارت یک پول منقول است که در آوان اضطراری میتوان آنرا کلاً یا قسمیاً به جاهای مصؤنتر انتقال داد در حالیکه یک فابریکه یک دارائی غیر منقول میباشد که در وقت ضرورت نمی توان آنرا از دستبرد به سهولت و اسرع وقت نجات داد. علاوه آن، هر کس زور خود را دیده به کاری اشتغال می ورزد.

در سال ۲۰۲۴ اکثر کشورها مورد تهدید انفلاسیون قرار گرفتند. همین اکنون در امریکای غنی و قدرتمند قیمت های مواد اولیه و کرایه و غیره در حدود تقریباً یک فیصد در هر ماه بلند می روند ولی در افغانستان وضع به این اندازه خراب نیست. در نیمه اول سال جاری طبق گزارش (افغانستان ایکونومیک مانیتور) منتشره بانک جهانی فیصدی نرخ تورم قیم به مقایسه ششماه قبل آن در افغانستان شش اعشاریه هفت درصد تقلیل یافت که منجمله قیم مواد ارتزاقی یازده اعشاریه پنج درصد پائین آمد. حجم واردات خوراکیه باب که نژده فیصد تمام واردات را دربر می گرفت هجده فیصد کاهش یافت. یک دلیل این کاهش تنزیل قیمت دالر در مقابل افغانی بوده است. دلیل دیگر آن کاهش در حجم صادرات به پاکستان بوده که در اثر مشکلات تنافلات در بندر بعمل آمد که نتیجتاً عرضه و فروش مواد ارتزاقی را در بازارهای داخل کشور وسعت بخشید. علاوه آن حاصلات و تولیدات وطن نیز نسبت به گذشته بهتر بود.

یک فکتور دگر پالیسی گروه طالبان بود که برخلاف پیشگویی توری اقتصادی شاید کار داده باشد و آن عبارت از کنترل قیم مواد ارتزاقی است. در یک اقتصاد آزاد همان رقابت آزاد است که نرخها را در بازار تا اندازه به شکل درست تعیین میکند. کنترل توسط اراکین دولت معمولاً نتیجتاً بر عکس دارد چنانچه بعضی ما بخاطر داریم که در امریکا پریزیدنت نکسن در ۱۹۷۱ امر کرد که برای یک مدت نود روز قیم و مزد و معاش کنترل شود. در نتیجه این تصمیم دالر بزودی سقوط کرد، نرخ طلا بلند رفت، ریح بانکی یک سال بعد به هجده فیصد رسید، و دنیا ی پیشرفته دچار آشفتگی گردید و بعد از آن تجربه هیچ اقتصاد آزاد دگر به کنترل کردن قیم جرأت نکرد. کنترل و دکتته کردن قیم در بازار توسط افراد غیر مسلکی که خود سرانه وبدون مجوز علمی باشد در یک اقتصاد آزاد مثل افغانستان از خود بیامد دارد. اگر امارت طالبی در توانمند سازی نیروی کار مؤفق گردد مؤلدیت کارگر و تولیدات ملی ارتقاء می یابد و جلو انفلاسیون احتمالی آینده را تا حدی گرفته خواهد توانست. در نتیجه عاید سرانه و سطح زندگی مردم بالا خواهد رفت.

ضابط جنرالان ...

گفته شده که نامزدان فعلی در هر جالباسهای قیمتی و نامدار و نشان دار می خرنند و می پوشند اما باید دانست که لباس های قیمتی و نام دار باطن آدمی را نمی پوشاند، گاو هم پوست اش جرم خالص است، ذات آدم و منطق اش مهم است این در حالی است که مردم هند برای کامیلا هریس دعا کردند، هر دو نامزد برای رفتن و ماندن به کاخ سفید مبارزه نمودند.

این در حالی است که رژیم صهیونیستی اسرائیل آتشی را در منطقه روشن نموده اند که قابل اطفأ نمی باشد حملات پی در پی اش به لبنان و سوریه به نام حزب الله تا به حال خسارات زیادی به منطقه وارد نموده اند از بین بردن سید حسن نصرالله رهبر حزب الله و بعدا قایم مقام حزب الله هاشم صفی الدین و همین طور ترور های زنجیره ای و سیستماتیک بسا. رهبران حزب الله و حماس. و نظامی ها و خلبانان و بسا لیدران. و هکذا اسماعیل هنیه و السنوار از حماس. خاورمیانه را به بشکه باروت مبدل نموده اند. (دنباله درص ۳)